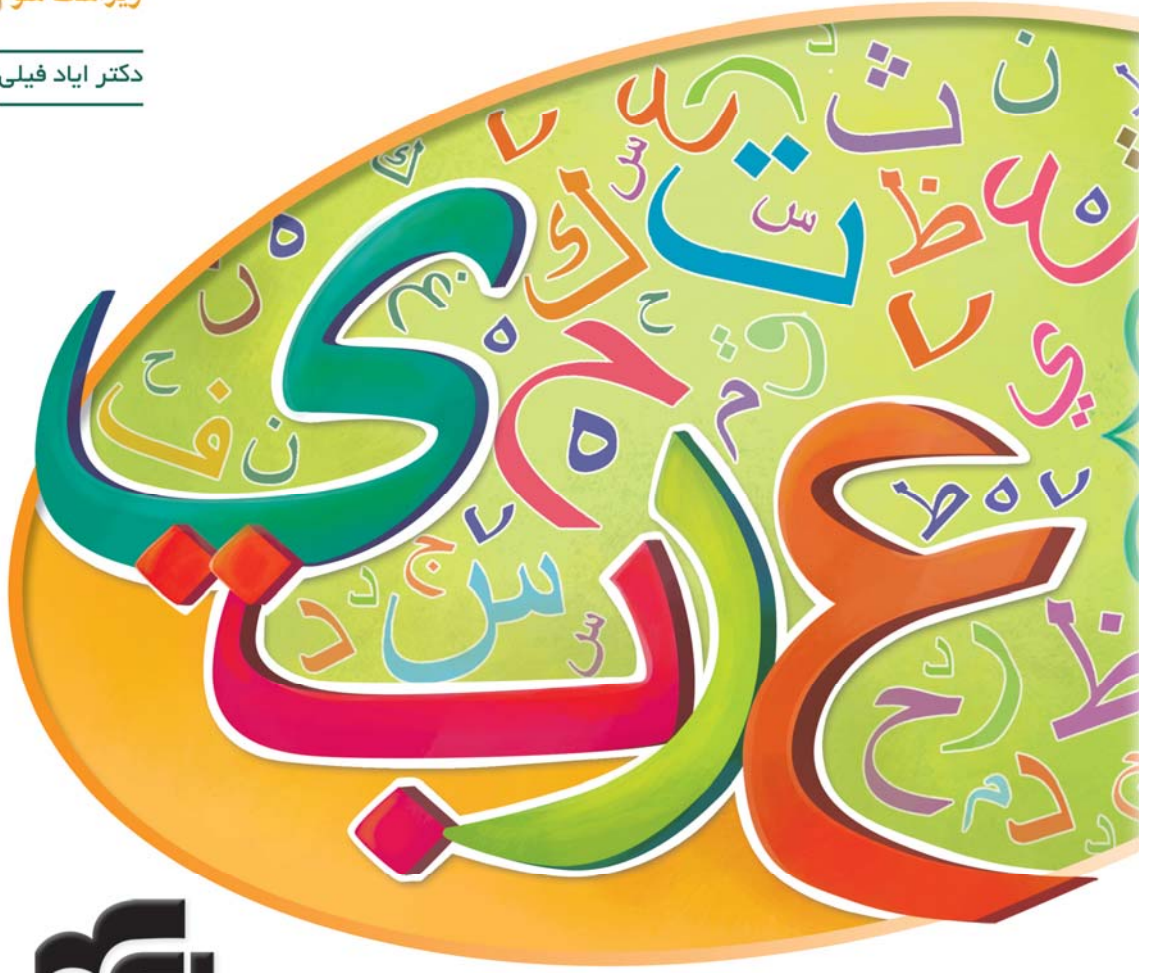


درس نامہ + آزمون های مبحثی و جامع + پاسخ های تشریحی

موج آزمون عربی

ویراست سوم

دکتر ایاد فیلی



انتشرالگو

پیشگفتار

به نام خدا

دوستان سلام

کتابی که در دست دارید حاصل ماه‌ها کار و تلاش سخت و پیگیر است. امید است مورد پسند شما واقع شود. این کتاب منبع و مرجع خوبی برای تمرین و یادگیری است و شامل ۶۷ آزمون به سبک کنکور سراسری می‌باشد و همان‌طور که در فهرست آن مشخص است از درس اول عربی دهم شروع می‌شود و به درس آخر عربی دوازدهم ختم می‌شود و علاوه بر آزمون‌های مبحثی حاوی آزمون‌های جامع به سبک کنکور سراسری همراه با آزمون‌های سراسری سال‌های ۹۸ و ۹۹ تمام رشته‌ها هم می‌باشد.

درس‌نامه‌های کتاب تمام نکات و مطالب را پوشش می‌دهند و به شکلی ابتکاری و خاص تنظیم شده‌اند، به این صورت که در ابتدا «انتظارات طراحان» را در قالب چند پرسش مطرح کرده‌ام و درخت حافظه را که در حقیقت پاسخ به انتظارات طراحان است آورده‌ام، سپس دام‌ها و تله‌های احتمالی هر درس را با زبانی ساده بیان کرده‌ام. البته از قدیم گفته‌اند که (مُشک آن است که ببوید نه آنکه عطار بگوید) اما بی‌اغراق می‌گویم که مهم‌ترین ویژگی این کتاب علاوه بر تست‌های فراوان و متنوع آن، مطابقت و شباهت بسیار زیاد سؤال‌هایش با سؤال‌های کنکور سراسری است. یادتان نرود نه تنها در درس بلکه در هر کار و زمینه‌ای، هنگامی به درجه تسلط و تبحر می‌رسید که به اندازه کافی تمرین و تکرار مناسب داشته باشید. مطمئناً بعد از تمرین و تکرار، فهم و درک درستی پیدا خواهید کرد و سره را از ناسره تشخیص خواهید داد و خود این دستاورد بهترین مشوق برای ادامه مسیر و کسب نتیجه مطلوب است، پس تمرین کنید و تمرین کنید تا صاحب نظر و نکته‌دان شوید.

در پایان لازم است از واحد ویراستاری و صفحه‌آرایی نشر الگو خانم‌ها مهرناز قجری و فاطمه احدی به سرپرستی سرکار خانم سکینه مختار و همچنین از همکاران گرامی آقایان محمدعلی جنانی، محمد مهدی یوسفی‌رامند، مرتضی قشمی و محمدعلی کاظمی که زحمت ویراستاری کتاب را تقبل کردند، قدردانی کنم.

با بهترین آرزوها

دکتر ایاد فیلی

فهرست

عربی دهم

- ♦ درسی ۲ درسی: بازآموزی مقدمات (عربی دوره اول متوسطه)
- ♦ آزمون ۱: درس اول
- ♦ آزمون ۲: درس اول
- ♦ درسی: ۱۰ درسی: اعداد - ساعت
- ♦ آزمون ۳: درس دوم
- ♦ درسی: ۱۴ درسی: مجرد و مزید
- ♦ آزمون ۴: درس‌های سوم و چهارم
- ♦ آزمون ۵: درس‌های سوم و چهارم
- ♦ آزمون ۶: بازآموزی چهار درس اول
- ♦ درسی: ۲۵ درسی: جمله اسمیه (مبتدا، خبر) و جمله فعلیه
- ♦ آزمون ۷: درس پنجم
- ♦ درسی: ۳۰ درسی: فعل معلوم و مجهول
- ♦ آزمون ۸: درس ششم
- ♦ درسی: ۳۴ درسی: نون وقایه - حروف جر
- ♦ آزمون ۹: درس هفتم
- ♦ درسی: ۳۹ درسی: اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه
- ♦ آزمون ۱۰: درس هشتم
- ♦ آزمون ۱۱: آزمون جامع دهم
- ♦ آزمون ۱۲: آزمون جامع دهم
- ♦ آزمون ۱۳: آزمون جامع دهم

عربی یازدهم

- ♦ درسی: ۵۴ درسی: اسم تفضیل و اسم مکان
- ♦ آزمون ۱۴: درس اول
- ♦ درسی: ۵۹ درسی: اسلوب شرط
- ♦ آزمون ۱۵: درس دوم
- ♦ درسی: ۶۴ درسی: معرفه و نکره
- ♦ آزمون ۱۶: درس سوم
- ♦ درسی: ۶۹ درسی: صفت مفرد - جمله وصفیه
- ♦ آزمون ۱۷: درس چهارم
- ♦ آزمون ۱۸: بازآموزی چهار درس اول
- ♦ درسی: ۷۷ درسی: فعل مضارع منصوب - ادوات ناصبه
- ♦ آزمون ۱۹: درس پنجم
- ♦ درسی: ۸۱ درسی: فعل مضارع مجزوم - ادوات جازمه
- ♦ آزمون ۲۰: درس ششم
- ♦ آزمون ۲۱: بازآموزی درس‌های پنجم و ششم
- ♦ درسی: ۸۹ درسی: افعال ناقصه
- ♦ آزمون ۲۲: درس هفتم
- ♦ آزمون ۲۳: آزمون جامع یازدهم
- ♦ آزمون ۲۴: آزمون جامع یازدهم
- ♦ آزمون ۲۵: آزمون جامع دهم و یازدهم
- ♦ آزمون ۲۶: آزمون جامع دهم و یازدهم

عربی دوازدهم

- ❖ درسنامه: حروف مُشَبَّهة بالفعل - لای نفی جنس ۱۰۸
- ❖ آزمون ۲۷: درس اول ۱۱۰
- ❖ آزمون ۲۸: بازآموزی افعال ناقصه و حروف مُشَبَّهة ۱۱۳
- ❖ درسنامه: حال ۱۱۶
- ❖ آزمون ۲۹: درس دوم ۱۱۸
- ❖ آزمون ۳۰: درس دوم ۱۲۱
- ❖ درسنامه: اسلوب استثناء - اسلوب حَصْر و اختصاص ۱۲۴
- ❖ آزمون ۳۱: درس سوم ۱۲۶
- ❖ آزمون ۳۲: درس سوم ۱۲۹
- ❖ آزمون ۳۳: بازآموزی درس‌های دوم و سوم ۱۳۲
- ❖ درسنامه: مفعول مطلق ۱۳۵
- ❖ آزمون ۳۴: درس چهارم ۱۳۷
- ❖ آزمون ۳۵: درس چهارم ۱۴۰
- ❖ آزمون ۳۶: بازآموزی درس‌های سوم و چهارم ۱۴۳
- ❖ آزمون ۳۷: آزمون جامع دوازدهم ۱۴۶
- ❖ آزمون ۳۸: آزمون جامع دوازدهم ۱۴۹
- ❖ آزمون ۳۹: آزمون جامع دوازدهم ۱۵۲

آزمون‌های مبحثی

- ❖ آزمون ۴۰: آزمون جامع مبحثی ترجمه ۱۵۶
- ❖ آزمون ۴۱: آزمون جامع مبحثی ترجمه ۱۵۹
- ❖ آزمون ۴۲: آزمون جامع مبحثی ترجمه ۱۶۳
- ❖ آزمون ۴۳: آزمون جامع مبحثی ترجمه ۱۶۶
- ❖ آزمون ۴۴: مفاهیم و قرابت معنایی ۱۶۹
- ❖ آزمون ۴۵: لغات، مترادف و متضاد، جمع‌های مکسر ۱۷۲
- ❖ آزمون ۴۶: لغات، مترادف و متضاد، جمع‌های مکسر ۱۷۴
- ❖ درسنامه: تحلیل صرفی و اعراب ۱۷۶
- ❖ آزمون ۴۷: تحلیل صرفی و اعراب ۱۷۸
- ❖ آزمون ۴۸: تحلیل صرفی و اعراب ۱۸۱
- ❖ درسنامه: ضبط حركات الحروف = حرکت‌گذاری ۱۸۴
- ❖ حروف ۱۸۷
- ❖ آزمون ۴۹: ضبط حركات الحروف = حرکت‌گذاری ۱۸۹
- ❖ آزمون ۵۱: کل مبحث اسم ۱۹۱
- ❖ آزمون ۵۲: کل مبحث فعل ۱۹۴

آزمون‌هایی به سبک کنکور سراسری

آزمون ۵۳: آزمون جامع - مطابق کنکور سراسری نظام

جدید ۱۹۸

آزمون ۵۴: آزمون جامع - مطابق کنکور سراسری نظام

جدید ۲۰۱

آزمون ۵۵: آزمون جامع - مطابق کنکور سراسری نظام

جدید ۲۰۴

آزمون‌های کنکور سراسری

آزمون ۵۶: آزمون رشته ریاضی ۹۸ (داخل) ۲۰۸

آزمون ۵۷: آزمون سراسری رشته تجربی ۹۸ (داخل) ۲۱۱

آزمون ۵۸: آزمون سراسری رشته انسانی (عمومی) ۹۸

(داخل) ۲۱۴

آزمون ۵۹: آزمون سراسری رشته هنر ۹۸ (داخل) ۲۱۷

آزمون ۶۰: آزمون سراسری رشته زبان ۹۸ (داخل) ۲۲۰

آزمون ۶۱: آزمون سراسری رشته‌های ریاضی و تجربی ۹۸

(خارج از کشور) ۲۲۳

آزمون ۶۲: آزمون سراسری رشته انسانی ۹۸ (خارج از

کشور) ۲۲۶

پاسخنامه تشریحی

پاسخنامه تشریحی کل آزمون‌ها ۲۴۶

پاسخنامه کلیدی کل آزمون‌ها ۳۱۶

آزمون ۶۳: آزمون سراسری رشته ریاضی ۹۹ (داخل) ۲۲۹

آزمون ۶۴: آزمون سراسری رشته تجربی ۹۹ (داخل) ۲۳۲

آزمون ۶۵: آزمون سراسری رشته انسانی ۹۹ (داخل) ۲۳۵

آزمون ۶۶: آزمون سراسری رشته هنر ۹۹ (داخل) ۲۳۸

آزمون ۶۷: آزمون سراسری رشته زبان ۹۹ (داخل) ۲۴۱

انتظارات طراحان

در این درس شما باید مطالب زیر را بلد باشید:

- ۱ مهم‌ترین ادوات شرط کدام‌اند؟
- ۲ تشخیص فعل شرط و جواب شرط
- ۳ ترجمه جمله شرطی
- ۴ ادوات شرط چه تأثیری بر فعل ماضی دارند؟
- ۵ آیا فعل شرط و جواب شرط باید از نظر زمان یکی باشند؟ یعنی آیا باید هر دو ماضی یا هر دو مضارع باشند؟
- ۶ آیا جواب شرط به جای یک فعل می‌تواند به صورت (جمله اسمیه) باشد؟
- ۷ انواع (مَنْ) و (مَا)

درخت حافظه

- ۱ مهم‌ترین ادوات شرط: **إِنْ: اگر - مَنْ: هر کس - مَا: هر آن چه - إِذَا: اگر، هرگاه**
 - ۲ تشخیص اسلوب شرط: **ادوات شرط + فعل شرط^۱ ... + جواب شرط.**
 - ۳ ترجمه جمله‌ای که ادوات شرط دارد «یعنی اسلوب شرط» ← **معنی** ادوات شرط + فعل مضارع التزامی ... + مضارع اخباری یا (مستقبل)
- مثال: اگر درس بخوانی، قبول می‌شوی (یا خواهی شد).
مضارع التزامی مضارع اخباری

جواب شرط

فعل شرط

- ۴ ادوات شرط + فعل ماضی } از نظر ظاهری بدون تغییر (یعنی آخر آن مجزوم نمی‌شود)
 - از نظر معنی به می‌تواند به صورت مضارع معنی شود.
 - ۵ فعل شرط می‌تواند به صورت ماضی باشد در حالی که جواب شرط آن، مضارع یا برعکس باشد. مانند: **إِنْ أَحْسَنْتُمْ، تُحْسِنُوا لِأَنْفُسِكُمْ.**^۲
- ماضی مضارع

- ۶ جواب شرط ممکن است به صورت (جمله اسمیه) باشد. مانند:
- من **يَجْتَهِدُ، فَهُوَ فَائِزٌ.**
فعل شرط → (ف) جواب

دقت کنید که جواب شرط اگر به صورت جمله اسمیه باشد، حتماً حتماً قبل از آن حرف (ف) می‌آید. همچنین جواب شرط اگر به صورت (امر، لم + مضارع، نهی) باشد، با (ف) شروع می‌شود.

- ۷ انواع
- مَنْ
 - شرط (هر کس) مانند: **مَنْ يَزْرَعُ يَحْصُدْ.**
 - استفهام (چه کسی) مانند: **مَنْ زَرَعَ هَذَا الْمَحْصُولَ؟**
 - موصول (کسی که) مانند: **احْتَرِمُ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ.**
- مَا
 - نهی (ما + فعل ماضی) مانند: **مَا ذَهَبَ، مَا كَتَبَ ... (نرفت، نوشت و ...)** → این «ما» معمولاً برای منفی کردن (ماضی) می‌آید.
 - استفهام مانند: **ما هذا؟ ما هو اسم أخيك؟ (چیست ...؟)** → در جمله پرسشی می‌آید.
 - شرط مانند: **ما تزرعوا، تحصدوا.** (هر آنچه ...) → در جمله شرطی می‌آید.
 - تعجب (ما + أَفْعَلْ) مانند: **ما أكثر آيات الله ... (چه زیاد است ...)** → مستقیماً بعد از آن (أفعل) می‌آید.
 - موصول مانند: **يَقُولُونَ، مَا يَقُولُونَ.** (... آنچه ...) → معمولاً وسط جمله می‌آید و به معنی «آنچه که» می‌باشد.
 - کافه مانند: **إِنَّمَا الْعِلْمُ مَفِيدٌ.** (مسلماً ...) → به حروف (إِنَّ، كَأَنَّ و ...) متصل می‌شود.

۱- همیشه اولین کلمه بعد از ادوات شرط، فعل شرط است.

۲- دقت کنید که در این حالت با اینکه فعل شرط این عبارت به صورت (ماضی) آمده است، می‌تواند به صورت مضارع معنی شود.

دام‌هاوتله‌های تست

۱ فعلی که مستقیماً بعد از حروف عطف (و، ثم، أو، ...) آمده باشد، فعل شرط یا جواب شرط نمی‌باشد بلکه معطوف برای فعل قبل از خود است. یعنی در جمله زیر، فعل (تُظهِروا) فعل شرط یا جواب شرط نمی‌باشد، بلکه (معطوف) برای فعل شرط است.

● **إِنْ تُخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُظهِرُوا يَعْلَمَهُ اللَّهُ.**

فعل شرط حرف عطف معطوف جواب شرط

۲ اگر از شما بپرسند (در کدام گزینه جواب شرط به صورت فعل نیامده است؟) منظور آن‌ها این است که در کدام گزینه جواب شرط به صورت (جمله اسمیه) آمده است. به مثال زیر توجه کنید:

● **مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ**

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط به صورت جمله اسمیه

در این حالت حتماً قبل از جواب شرط، حرف (ف) خواهیم داشت.

۳ تشخیص انواع (مَنْ) و (مَا) و معنی آن‌ها کاربرد فراوانی دارد. دقت کنید (مَنْ) و (مَا) فقط هنگامی می‌توانند ادوات شرط باشند که بعد از آن‌ها دو فعل مستقل یا (یک فعل + ف + جمله اسمیه) آمده باشد.

۴ یادتان باشد } ادوات شرط + ماضی ← معنی مضارع
 } لَمْ + مضارع ← معنی ماضی

تغییر زمان فعل در ترجمه

۵ جمله شرطی فارسی را هنگام برگرداندن به عربی به چهار شکل می‌توان نوشت. به مثال توجه کنید:

دقت کنید که فعل ماضی بر خلاف مضارع، علامت سکون نمی‌گیرد و ظاهر آن همیشه بدون تغییر باقی می‌ماند.

● هرکس بکوشد، موفق می‌شود.

۱ مَنْ اجْتَهَدَ، نَجَحَ.
۲ مَنْ اجْتَهَدَ، يَنْجَحُ.
۳ مَنْ يَجْتَهَدُ، يَنْجَحُ.
۴ مَنْ يَجْتَهَدُ، نَجَحَ.

■ عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸):

۱

«إن تأملنا حول قانون الجاذبية رأينا أننا نستفيد منه في كل الأمور، و منها للحصول على مطلوبنا في الحياة!»:

- ۱) هرگاه پیرامون قانون جاذبه خوب بنگریم قطعاً می بینیم که آن را در تمام امور و خواسته هایمان در زندگی به کار می بریم!
- ۲) چنانچه درباره قانون جاذبه تأمل کنیم همانا درمی یابیم که ما آن را در تحقیق امور و خواسته خود در زندگی به کار می بریم!
- ۳) اگر در مورد قانون جاذبه دقت کنیم می بینیم که ما در تمام امور، و از جمله برای دستیابی به خواسته خود در زندگی، از آن استفاده می کنیم!
- ۴) هر وقت در مسئله قانون جاذبه خوب تأمل کنیم قطعاً متوجه می شویم که ما در همه کارها از قبیل به دست آوردن آرزوی مطلوبمان در زندگی از آن استفاده می کنیم!

۲

«من شاور العلاء في أمرٍ قبل أن يعزم، فقد انتفع!»:

- ۱) هر کسی برای انجام دادن کاری با عقلا مشورت کرد، پس سود برده است!
- ۲) کسی که پیش از عزم به کاری با دانایانی مشورت کرد پس او سود خواهد برد!
- ۳) کسی که با دانایان درباره هر امری پیش از تصمیم گرفتن مشورت کرد سود می برد!
- ۴) هر کس در امری با عاقلان مشورت کند قبل از اینکه تصمیم بگیرد، سود برده است!

۳

عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي يُمَكِّنُ تَرْجُمَةَ فِعْلِهَا مُسْتَقْبَلًا:

- ۱) لَمْ تَنْجَحِ الطَّالِبَةُ الَّتِي لَمْ تُلَاحِظِ عَوَاقِبَ أُمُورِهَا دَائِمًا!
- ۲) إِنْ اسْتَمَعْتَ إِلَى كَلَامِ الْخَطِيبِ جَدِّدًا اِنْتَفَعْتَ بِهِ كَثِيرًا!
- ۳) لِلنباتاتِ فَوَائِدٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا الْمَسَاعِدَةُ عَلَى تَنْقِيَةِ الْجَوِّ وَ تَلطِيفِهِ!
- ۴) تَشَكَّلَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ بَعْدَ أَنْ حَدَثَ انفجارُ الْمَادَةِ الْأُولَى فِي الْعَالَمِ!

۴

عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) إِنَّ لِآيَاتِ الْقُرْآنِ مَفَاهِيمَ هَادِيَةً: بی تردید مفاهیم آیات قرآن هدایتگر است!
- ۲) مَفَاتِيحُ فَهْمِ الْقُرْآنِ عِنْدَ الصَّالِحِينَ: کلید درک صحیح قرآن نزد صالحان است!
- ۳) يَتَعَاوَنُ النَّاسُ لِبِنَاءِ الْمَجْتَمَعِ السَّلِيمِ: مردم برای ساختن جامعه سالم همکاری می کنند!
- ۴) إِحْتِرَامَ الَّذِينَ يَقُولُونَ الْحَقَّ وَ إِنْ لَا تُحِبُّهُمْ: کسانی که حق می گویند اگرچه دوستشان نداری، محترمند!

۵

«مَنْ يُحِبِّ اللَّهُ يُحْسِنِ إِلَى النَّاسِ، وَ مَنْ يُحِبِّهِ اللَّهُ يُبْعِدْ عَنْهُ الشَّرَّ!»:

- ۱) هر کس خدا را دوست بدارد با مردم به خوبی رفتار می کند، و کسی که خدا او را دوست دارد، از بدی دور می شود!
- ۲) هر آنکه حب خدا در دل دارد، به مردم احسان می کند، و آن کس که خدا او را دوست دارد، از بدی دور می ماند!
- ۳) کسی که خدا را دوست دارد به مردم نیکی می کند، و کسی که خدا او را دوست دارد، بدی را از او دور می کند!
- ۴) آنکه دوستدار خدا است به مردم احسان می کند، و آنکه خدا دوستدار اوست، او را از شر دورش می سازد!

۶

(هر کس با حقیقت زندگی آشنا گردد، عمر خود را در دنیا تباه نمی سازد.)، عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) لَنْ يُضَيِّعَ الْعَمْرَ فِي دُنْيَاهُ مَنْ عَرَفَ الْحَقِيقَةَ الْحَيَاةَ.
- ۲) مَنْ عَرَفَ حَقِيقَةَ حَيَاتِهِ، لَمْ يُضَيِّعِ الْعَمْرَ فِي الدُّنْيَا.
- ۳) مَنْ تَعَرَّفَ عَلَى حَقِيقَةِ الْحَيَاةِ، لَا يُضَيِّعُ عَمْرَهُ فِي الدُّنْيَا.
- ۴) لَا يُضَيِّعُ عَمْرَهُ فِي الدُّنْيَا، مَنْ تَعَرَّفَ عَلَى الْحَقِيقَةِ فِي الْحَيَاةِ.

۷

ماهو المفهوم الأقرب لـ (كادَ الكلام أن لا يُسْمَعَ):

- ۱) لَا يُسْمَعُ الْكَلَامُ أَبَدًا.
- ۲) سُمِعَ الْكَلَامُ بِصُعُوبَةٍ.
- ۳) نَسْتَطِيعُ أَنْ نَسْمَعَ الْكَلَامَ بِسَهُولَةٍ كَثِيرًا.
- ۴) لَا يَقْطَعُ كَلَامُهُ.

٨ ماهو الجواب الغير المناسب للفراغ: (من خصائص الطالب المُشاغب:.....)

- ١) أن يهرب من أداء الواجبات المدرسية.
- ٢) الالتفات إلى الوراء عندما يُدرّس المُعلّم.
- ٣) أن لا يقطع كلام مُعلّمه و لا يسبقه بالكلام.
- ٤) التكلّم مع غيره من الطلاب عندما يُدرّس المُعلّم.

٩ مَيِّز ما ليس فيه كلمات مُتضادّة:

- ١) بعد مدّة طويلة من العمل استراح الموظف فترة قصيرة.
- ٢) مَنْ يُفكر قبل الكلام يَسلم من الخطأ غالباً.
- ٣) هذه حكمة مشهورة: إذا ملك الأردل هلك الأفاضل.
- ٤) مَنْ لا يَستمع إلى الدرس يَرسب و مَنْ يجتهد في دروسه يَنجح.

١٠ مَيِّز الصحيح في التعاريف التالية:

- ١) الكلام بصوت مرتفع جداً: الهمس
- ٢) علمُ مطالعة خواصّ العناصر: الكيمياء
- ٣) كلام خفي بين شخصين: الالتفات
- ٤) عدم الاحترام و قلة الإكرام: تبجيل

١١ ماذا نستنتج من هذا الحديث (قُم عن مجلسك لأبيك و معلّمك و إن كنت أميراً):

- ١) تساوي مقام الأب و المعلّم.
- ٢) إطاعة الأمير العادل واجبة.
- ٣) أهميّة احترام المعلّم و الأب و تقديرهما.
- ٤) الأمير يجب أن لا يقوم عن محلّه أمام معلّميه أو أبيه.

■ اقرأ النّص التالي بدقّة ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النّص (١٢-١٥):

للأرض مغناطيس يقوم بعمل عظيم للكرة الأرضية، و هو إبعادُ الشعاعات (الضوء) التي تأتي من الشمس كلّ لحظة، حتى لا تصل إلى الأرض إلا كميات قليلة منها، و هذا القليل يصل إلى القطبين الشمالي و الجنوبي، و إن وصلت هذه الأشعة إلى سطح الأرض لا يقدر الإنسان أن يبقى حيّاً ولو لحظات قليلة! لأنّها تُشبه إلى حدّ كبير إشعاعات القنابل الذريّة (بمب اتمى) التي تُخرّب الأرض و ما فيها!

١٢ عَيّن الصحيح:

- ١) ليس في الأشعة شيء يضرّ الموجودات.
- ٢) القليل من الإشعاعات الخطرة لا تصل إلى الأرض أبداً.
- ٣) لا يقدر الإنسان أن يواجه أشعة الشمس الخطرة!
- ٤) للإنسان طرق عديدة لمواجهة أشعة الشمس الخطرة.

١٣ صِفْ (توصيف كن) لنا إشعاعات الشمس الخطرة؟ - إنّها

- ١) تشبه الذرات الصغيرة!
- ٢) مثل القنبلة الذريّة!
- ٣) تُخرّب النباتات لا الإنسان!
- ٤) تبقى في القطبين الشمالي و الجنوبي!

١٤ ما هي فائدة مغناطيس الأرض؟

- ١) إرسال الأشعة إلى سطح الأرض!
- ٢) إبعاد نور الشمس المضرّ عن القمر!
- ٣) وصول الإشعاعات الخطرة إلى الأرض!
- ٤) استمرار حياة الإنسان على الكرة الأرضية!

١٥ املاً الفراغ بالعبرة المناسبة: «لو لم يكن مغناطيس الأرض

- ١) لَمّا تطلع الشمس!
- ٢) لَمّا بقي الإنسان!
- ٣) لَمّا يصل التور إلى الأرض!
- ٤) ما كانت تأتي إشعاعات الشمس الخطرة!

١٦ عَيْن (ما) يُمكن أن تكون شرطية:

- (١) ما كان في قلب هذا الرجل ذرة من الحسد وحب النفس.
 (٣) لا تذكر أحاك أو أختك بما يكرهان فترتكب ذنباً عظيماً.
 (٢) لا علم لي إلا ما علمتني.
 (٤) ما فعلوا من أعمال الخير لا يرضع أجرها عند الله.

١٧ عَيْن ما ليس فيه اسلوب الشرط:

- (١) مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّ خَطُؤُهُ.
 (٣) ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَاماً﴾
 (٢) على الطالب أن لا يهرب من أداء الواجبات المدرسية.
 (٤) أيها العقلاء إن أحسنتم تحسنوا لأنفسكم.

١٨ مَيِّز جواب الشرط ليس فعلاً:

- (١) ما فعلت من الخيرات وجدتها ذخيرة لآخرتك.
 (٣) مَنْ عَلَّمَ عِلْماً فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِهِ.
 (٢) مَنْ خَافَ الْعِقَابَ انصرفت عن السيئات.
 (٤) إن تواضعت لمن يعلمك عظمت شأنك.

١٩ مَيِّز الصحيح في نوع (من) أو (ما):

- (١) قد يكون بين الناس من هو أحسن متاً: (من) استفهام
 (٣) مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ: (من) شرط
 (٢) مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَضِيئاً أَفْلا تَعْقِلُونَ: (من) موصول
 (٤) أكبر العيب أن تعيب ما فيك مثله: (ما) نفي

٢٠ مَيِّز الماضي في معنى المضارع:

- (١) قد فاز الذي اجتهد في أعماله.
 (٣) هُوَلاء صَبَرُوا فَحَصَلُوا عَلَى التَّجَاحِ فِي حَيَاتِهِمْ.
 (٢) إذا تمَّ العقل نقص الكلام.
 (٤) تعازف الرملاء في بداية السنة الدراسية.

٢١ مَيِّز الماضي تغير معناه:

- (١) ما فكر الرجل في عاقبة أمره فندم.
 (٣) قال صديقي: توكلت على الله في جميع أموري.
 (٢) مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.
 (٤) ما ظلمهم الله ولكنهم ظلموا الناس وأنفسهم.

٢٢ مَيِّز «أسلوب الشرط»:

- (١) ما عملت يعلمه الله ويجازيك عليه.
 (٢) هُوَلاء قوم ما نصروا الحق و ما ساعدوا الضعفاء.
 (٣) ﴿إِنْ رَبَّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾
 (٤) يُسَاعِدُنَا مَنْ يَرَانَا فِي هَذِهِ الْحَالَةِ.

٢٣ عَيْن (من) تختلف في المعنى:

- (١) مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيراً يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.
 (٢) مَنْ اجْتَهَدَ لِلْوَصُولِ إِلَى آمَالِهِ وَسَعَى مِنْ أَجْلِهَا حَصَلَ عَلَيْهِ.
 (٣) مَنْ يُنْفِقُ أَمْوَالَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَيُسَاعِدُ النَّاسَ بِإِنْفَاقِهِ.
 (٤) مَنْ عَرَفَ قَدَّرَ نَفْسَهُ فَهُوَ فَائِزٌ.

٢٤ مَيِّز ما فيه «أداة الشرط»:

- (١) ما اسم الكتاب الذي قرأته أمس.
 (٢) أنظر إلى ما قال و لا تنظر إلى من قال.
 (٣) و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله.
 (٤) أنظر إلى تلك الشجرة و قل: من ذا الذي يخرج منها الثمرة.

٢٥ مَيِّز الصحيح في التحليل الصرفي لما تحته خط:

- (١) هو علم بمن اهتدى: فعل ماضٍ من باب إفعال (مصدره: إعلام)، معلوم / فاعله مستتر
 (٢) في هذا الشارع مطاعم عديدة: اسم جمع تكسير، اسم مكان / مبتدأ مؤخر و موصوف
 (٣) لا تذكر عيوب الآخرين: اسم، جمع مذكر، اسم فاعل / مضاف إليه
 (٤) يقع المسجد الأقصى في مدينة القدس: اسم، مفرد، اسم تفضيل مؤنث / صفة و موصوفه: المسجد

درس سوم

عبر دو آردم

درسنامه: اسلوب استثناء - اسلوب حصر و اختصاص

انتظارات طراحان

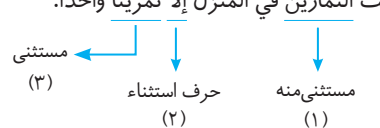
در این درس شما باید مطالب زیر را بلد باشید:

- ۱ مفهوم استثناء
- ۲ تشخیص ارکان و اجزای استثناء
- ۳ تشخیص (مستثنی‌منه)
- ۴ آیا (مستثنی‌منه) ممکن است محذوف باشد؟
- ۵ تشخیص اسلوب حصر و اختصاص
- ۶ معنی جمله‌ای که با اسلوب حصر و اختصاص آمده باشد.

درخت حافظه

۱ مفهوم استثناء ← یعنی جدا کردن کسی یا چیزی از یک قاعده کلی و مهم‌ترین نشانه آن (... إلا + اسم) می‌باشد.

۲ ارکان و اجزای استثناء ← مانند: کتبتُ التمارینَ فی المنزلِ إلا تمریناً واحداً.



۳ تشخیص (مستثنی‌منه) ← قبل از (إلا) می‌آید و حالت کلی دارد، یعنی از نظر (تعداد و کمیت) از مستثنی بیشتر است.

۴ (مستثنی‌منه) محذوف ← در جملات سؤالی حتماً و در برخی از جملات منفی ممکن است (مستثنی‌منه) حذف شود.

اگر فعل جمله قبل از إلا مثبت باشد، حتماً (مستثنی‌منه) خواهیم داشت.

۵ اسلوب حصر و اختصاص ← هرگاه جمله قبل از (إلا) منفی و مستثنی‌منه آن محذوف باشد. مانند:

● لا تَقُلْ إِلَّا الْحَقَّ: فقط حق را بگو.

فعل منفی

۶ ترجمه اسلوب حصر و اختصاص ← مانند: لا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ } فقط خدا را بپرستید. ✓
 [کسی] جز خدا را نپرستید. ✓ } کلمه (فقط)، متعلق به اولین کلمه بعد از (إلا) است و به عبارت ساده‌تر بعد از (فقط) نباید مستقیماً فعل بیاید، بلکه اسم بعد از (إلا) می‌آید.

دام‌ها و تله‌های تستی

۱ مهم‌ترین نکته این مبحث این است که دقت کنید (إلا) گاهی برای استثناء به کار نمی‌رود، بلکه برای (حصر و اختصاص) می‌آید. بنابراین اگر از شما

پرسند (مِيزَ (إلا) ما جاءت للاستثناء = کدام (إلا) برای استثناء نیامده است)، منظور آن‌ها پیدا کردن اسلوب حصر و اختصاص است.

۲ دقت کنید (مستثنی‌منه) را با (مستثنی) اشتباه نگیرید. بسیار دیده شده که داوطلبان عزیز به خاطر سرعت زیاد در خواندن صورت سؤال به کلمه

(منه) در (مستثنی‌منه) دقت نمی‌کنند. به مثال زیر دقت کنید:

● سؤال: مِيزَ (المستثنی‌منه) منصوباً:

باید دقت کنید که (مستثنی‌منه) همیشه قبل از (إلا) می‌آید و می‌تواند منصوب، مرفوع و مجرور باشد. (چون هر نقشی را می‌تواند بپذیرد)

۳ به سه نکته درباره تشخیص (مستثنی منه) دقت کنید:

الف) در جملات مثبت حتماً مستثنی منه داریم.

ب) اگر بعد از (إِلَّا) کلماتی مانند (منهم، منه و ...) دیدید، مطمئن باشید که مستثنی منه دارید. مثال:

• ما رَجَعِ الْعَمَالَ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا وَاحِدًا مِنْهُمْ.

مستثنی منه

ج) اسم‌های مفرد و نکره مانند (أَخَذْتُ شَيْئًا، كِتَابًا و ...) اگر در جمله منفی به کار رفته باشند، می‌توانند (مستثنی منه) باشند. چون در این حالت

مفهوم و معنی جمع می‌دهند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

• لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ إِلَّا الْمُطَالَعَةَ.

↓ ↓
مستثنی منه مستثنی

• مَا نَجَحَ أَحَدٌ إِلَّا صَدِيقِي.

↓ ↓
مستثنی منه مستثنی

۴ دقت کنید که (أَلَّا) را با (إِلَّا) اشتباه نگیرید، زیرا (أَلَّا)، (أَنَّ) حرف ناصبه + لا + ... و حرف استثناء به شمار نمی‌رود. به مثال زیر توجه کنید:

• أَمَرَهُمُ النَّبِيُّ الْأَيْعَبِدُوا الْأَصْنَامَ: پیامبر به آن‌ها دستور داد که بت‌ها را نپرستند. يَادَتَانِ بَاشَد بَعْدَ اَزْ (أَلَّا) مُسْتَقِيمًا فَعَلٌ مِي آيِد.

فعل مضارع

توجه: سؤال نکته بالا ممکن است چنین باشد: (مَيِّزْ مَا لَيْسَ فِيهِ مُسْتَثْنَى = که باید دقت کنید بعد (أَلَّا = أَنْ + لا + ...). مستثنی نداریم.)

۵ دقت کنید که (أَلَّا) ممکن است اول جمله بیاید که در این حالت هم، حرف استثناء نخواهد بود. مانند:

• أَلَّا أَيُّهَا الْغَافِلُ، اجْتَهِدْ: هَانَ (آگاه باش)، ای غافل! کوشش کن.

شماره صفحات پاسخ تشریحی

زمان پیشنهادی

مبحث آزمون

۲۷۷ و ۲۷۸

۱۸ دقیقه

عربی دوازدهم - درس ۳ - اسلوب استثناء و حصر



عَيْنِ الْأَدَقِّ وَ الْأَصَحِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸):

۱ «رُبَّ كِتَابٍ يَجْتَهِدُ الْقَارِئُ فِي قِرَاءَتِهِ ثُمَّ لَا يَحْصُلُ مِنْهُ عَلَيَّ فَائِدَةٌ جَدِيرَةٌ بِالتَّقْدِيرِ وَ الذِّكْرِ.»:

- ۱) چه بسا در خواندن کتابی کوشش بشود، سپس از آن فایده که شایسته قدردانی و یادآوری باشد به دست نیاید.
- ۲) چه بسا کتابی که خواننده در خواندن آن کوشش کند، سپس از آن فایده‌ای که شایسته تقدیر و یادآوری باشد به دست نیآورد.
- ۳) گاهی کتابی که خواننده آن در خواندنش کوشش بسیاری کند از آن فوائد قابل تقدیر و تذکر به دست نمی‌آورد.
- ۴) خواننده گاهی در خواندن کتابی کوشش به عمل می‌آورد سپس به دست نمی‌آورد آن فایده را که قابل تذکر و قدردانی باشد.

۲ مَيِّزُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱) لَمْ يُوَأْصَلْ زَمِيلِي دِرَاسَتَهُ فِي الْجَامِعَةِ: هم کلاسی من به درس در دانشگاه نرسید.
- ۲) مَا اسْتَطَاعَتْ أُسْرَتُهُ أَنْ تُرْسِلَهُ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِتَكْمِيلِ دِرَاسَتِهِ: خانواده‌اش نتوانست برای ادامه تحقیقاتش او را به قاهره بفرستد.
- ۳) مَا كَانَتْ تُوجَدُ مَدْرَسَةً ثَانَوِيَّةً فِي مُحَافَظَتِهِمْ: دبیرستان دومی در استان آن‌ها یافت نمی‌شود.
- ۴) لَا أَرِيدُ أَنْ أَقْرَأَ فِي الْمَوْضُوعِ الْوَاحِدِ آرَاءَ عِدَّةٍ كُتَّابٍ: نمی‌خواهم در موضوعی معین نظریات چندین کتاب را بخوانم.

۳ مَيِّزُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱) لَمْ يَتَعَلَّمِ اللُّغَةَ الْإِنْجَلِيزِيَّةَ إِلَّا مِنَ السِّيَاحِ: زبان انگلیسی را فقط از جهانگردان یاد نگرفت.
- ۲) التَّحْدِيدُ غَيْرُ نَافِعٍ إِلَّا لِطِفْلِ أَوْ مَرِيضٍ: محدودیت برای کودک یا مریض سودمند نیست.
- ۳) مَا اعْتَمَدَ الْعَقْدُ إِلَّا عَلَيَّ نَفْسِهِ: عقاد فقط بر خود اعتماد می‌کرد.
- ۴) لَا نَشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا النِّشَاطَ وَ الاجْتِهَادَ: در زندگی او غیر نشاط و کوشش نمی‌بینیم.

۴ «لَيْسَ عِلْمُ الْبَشَرِ إِلَّا وَسِيلَةٌ لِاكتشافِ قَلِيلٍ مِنَ الْأَسْرَارِ الْغَامِضَةِ فِي الْعَالَمِ!». عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) علم بشری تنها وسیله‌ای است برای کشف اندکی از اسرار پیچیده عالم!
- ۲) علم بشر فقط وسیله‌ایست برای کشف اندکی از اسرار پیچیده در عالم!
- ۳) علم بشر فقط برای کشف کردن اندک از اسرار پیچیده است در این عالم!
- ۴) علم بشر وسیله‌ای نیست مگر برای کشف اندک از اسرار پیچیده در این عالم!

۵ «لَا شَكَّ أَنَّ الَّذِينَ يَتَكَاسَلُونَ فِي الْحَيَاةِ وَ لَا يُحِبُّونَ إِلَّا اللَّذَّةَ وَ الرَّاحَةَ يَتَأَخَّرُونَ عَنِ قَافِلَةِ التَّقَدُّمِ الْإِنْسَانِي!»:

- ۱) شک نیست آن‌هایی که در دنیا تنبلی کرده فقط لذت و راحتی را طالبند از کاروان پیشرفت انسان‌ها عقب می‌مانند!
- ۲) بی‌شک کسانی که در زندگی تنبلی می‌کنند و فقط لذت و راحتی را دوست دارند از قافله پیشرفت انسانی عقب می‌مانند!
- ۳) شکی نیست آن‌ها که در زندگی سهل‌انگارند و جز لذت و راحتی نمی‌خواهند از کاروان تقدّم و پیشرفت بشری جا می‌مانند!
- ۴) بدون شک کسانی که در این دنیا تنبلی می‌کنند و جز لذت و راحتی را دوست نمی‌دارند از قافله پیشرفت بشریت عقب می‌مانند!

۶ «النَّاسُ لَا يَقَعُونَ فِي التَّفَرُّقَةِ، إِلَّا إِذَا ابْتَعَدُوا عَنِ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ! مردم». عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱) در تفرقه نمی‌افتند، مگر وقتی از صراط مستقیم دور گردند!
- ۲) فقط وقتی در تفرقه می‌افتند که از صراط مستقیم دور گردند!
- ۳) دچار تفرقه نمی‌گردند، مگر هنگامی که از راه راست دور شوند!
- ۴) فقط زمانی که از صراط مستقیم دور می‌شوند در تفرقه نمی‌افتند!

۷ (انسان عاقل می‌تواند در هر موضوعی غذایی فکری بیابد)، عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) يستطيع الإنسان العاقل إيجاد غذاءٍ للفكر في كلّ موضوع.
- ۲) الإنسان العاقل يستطيع أن يجد غذاءً فكرياً في كلّ موضوع.
- ۳) الإنسان العاقل يستطيع أن يجد في كلّ الموضوع غذاءً فكرياً.
- ۴) في استطاعة الإنسان ذي العقل أن يجد الغذاء الفكري في كلّ موضوع.

٨ ما هو المفهوم الأقرب لـ (كُلُّ وعاء يَضِيقُ بما جُعِلَ فيه إلَّا وعاء العلمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ):

- (١) وعاءُ العلمِ يَكْبُرُ وَيَتَّسِعُ دائماً مثل الأشياء الأخرى.
- (٢) أَلْعَلْمُ لا يَقْبَلُ التَّحْدِيدَ وَ الْإِنْزِوَاءَ.
- (٣) نَمُوٌّ وَازْدِيَادُ الْعِلْمِ لا يَتَوَقَّفُ فِي حَدِّ مُعَيَّنٍ بَلْ هُوَ فِي حَالَةِ اَزْدِيَادٍ دَائِمٍ.
- (٤) لا تَجْعَلُ الْعِلْمَ فِي وَعَاءٍ لِأَنَّهُ لا يَنْمُو بَعْدَهَا.

٩ مَيِّزِ الْخَطَأَ لِلْفَرَاغِ:

- (١) هَلْ أَنْتِ مِنْ أَنَّ الْفَطَارَ سَوْفَ يَأْتِي؟ نَعَمْ، أَنَا مُتَأَكِّدٌ مِنْ هَذَا: وَائْتِ
- (٢) فِي الصَّيْفِ ثِمَارَ بُسْتَانِنَا وَ أَعْطَيْنَا قِسْماً مِنْهَا لِلْجِيرَانِ: سَاعَدْنَا
- (٣) هَذِهِ الْمُمْرِضَةُ كَانَتْ قَدْ طَوَّلَ اللَّيْلَ لِلْعِنَايَةِ بِالْمَرِيضِ: سَهَرْتُ
- (٤) هَذَا الْمُفَكِّرُ فِي بِيئَةِ ثِقَافِيَّةٍ: نَشَأُ

١٥ (.....) هَذِهِ الطَّالِبَةُ دَرَسَتْهَا فِي الْمَدْرَسَةِ: اِبْنُ دَانِشْ أَمُوزِ دَرَسِشْ رَا دَر دِيرِسْتَانِ اِدَامَه دَادِ). مَيِّزِ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغَاتِ:

- (١) وَاصِلْتُ - الثَّانَوِيَّةَ
- (٢) وَصَلْتُ إِلَى - الْمَرْحَلَةَ الثَّانِيَةَ
- (٣) تَوَاصَلْتُ - الْمُتَوَسُّطَةَ
- (٤) اِسْتَمَرَّتْ - الْمَرْحَلَةَ الْجَامِعِيَّةَ

١١ مَيِّزِ الصَّحِيحَ فِي عِلَامَةِ (≠) أَوْ (=):

- (١) غَلَا ≠ رَحَّصَ / فَاضَ = اِمْتَلَأَ
- (٢) كَثُرَ ≠ قَلَّ / ضَاقَ = اِتَّسَعَ
- (٣) يُحَقِّضُ ≠ يُقَلِّلُ / حَشِبَةَ = حَوْفٌ
- (٤) سَهَرَ ≠ نَامَ / أُسْلُوبٌ = اِخْتِبَارٌ

■ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (١٢-١٥) بِمَا يَنْاسِبُ النَّصَّ:

كُلٌّ وَاحِدٌ مِنَّا لا يَنْسَى فَضْلَ الْوَالِدِينَ فَتَعْلِيمُنَا وَ رَاحَتُنَا وَ رِعَايَتُنَا كُلَّهَا خِدْمَاتٌ وَ تَضَحِيَّاتٌ يَدْمُهُمُ الْوَالِدَانُ لِسَعَادَةِ أَوْلَادِهِمْ. وَ لِهَذَا السَّبَبِ أَوْصَانَا الْفَرَانَ الْكَرِيمَ بِالْإِحْسَانِ إِلَى الْوَالِدِينَ وَ الطَّاعَةَ لِهِمَا، فَلَا نَرْفَعُ صَوْتَنَا عَلَيْهِمَا وَ لا يَخْرُجُ مِنْ فَمِنَا كَلَامٌ يَدُلُّ عَلَى سُوءِ الْأَدَبِ، بَلْ نَخْضَعُ لَهُمَا وَ نَسْعَى فِي اِكْتِسَابِ رِضَى الْوَالِدِينَ. وَ الْأَبْنَاءُ الْمَحْبُوبُونَ هُمُ الَّذِينَ يَأْخُذُونَ نِصَائِحَ الْوَالِدِينَ وَ يُطِيعُونَ أَمْرَهُمَا لِيَفُوزُوا بِالنَّجَاحِ وَ يُحِبُّ النَّاسَ.

١٢ عَيِّنِ الْخَطَأَ لِلْفَرَاغِ: (الْوَلَدُ الْمَحْبُوبُ هُوَ الَّذِي.....)

- (١) لا يَتَكَلَّمُ أَمَامَ وَالِدِيهِ.
- (٢) لا يَرْفَعُ صَوْتَهُ عَلَيْهِمَا.
- (٣) يَأْخُذُ نِصِيحَةَ الْوَالِدِينَ.
- (٤) يَطِيعُ أَمْرَ وَالِدِيهِ.

١٣ بِمَاذَا يُوصِينَا الْفَرَانَ إِلَى الْوَالِدِينَ؟ يُوصِينَا.....

- (١) بِالْقِيَامِ وَ الصِّيَامِ.
- (٢) بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ.
- (٣) بِالْإِحْسَانِ وَ الطَّاعَةِ.
- (٤) بِالنَّجَاحِ وَ حُبِّ النَّاسِ.

١٤ لِمَاذَا يَدِّدُ الْوَالِدَانُ الْخِدْمَاتِ وَ التَّضَحِيَّاتِ لِلْأَوْلَادِ؟

- (١) لِرَاحَتِهِمْ وَ سَعَادَتِهِمْ.
- (٢) لِإِطَاعَتِهِمْ وَ اِكْتِسَابِ رِضَاهِهِمْ.
- (٣) لِلْخَوْفِ مِنْهُمْ وَ الطَّمَعِ فِيهِمْ.
- (٤) لِلفُوزِ بِالنَّجَاحِ وَ حُبِّ النَّاسِ.

١٥ (الْأَبْنَاءُ الْمَحْبُوبُونَ هُمُ الَّذِينَ.....) مَا هُوَ الْغَيْرُ الْمُنَاسِبُ لِلْفَرَاغِ؟

- (١) يُطِيعُونَ وَالِدِيهِمْ.
- (٢) يَسْمَعُونَ نِصِيحَةَ وَالِدِيهِمْ وَ يَعْمَلُونَ بِهَا.
- (٣) يَفُوزُونَ بِالنَّجَاحِ.
- (٤) يَحْتَرِمُونَ وَالِدِيهِمْ.

١٦ مَيِّزِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ فِي (زَمِيلَتِي تَفْهَمُ كُلَّ مَا تَقْرَأُهُ بِاللُّغَةِ الْاِنْجَلِيزِيَّةِ):

- (١) فَعْلٌ مَضَارِعٌ، لِلْغَائِبَةِ، مَجْرَدٌ ثَلَاثِي، مَعْلُومٌ / فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ
- (٢) فَعْلٌ مَضَارِعٌ، لِلْمَخَاطَبِ، مَجْرَدٌ ثَلَاثِي، مَعْلُومٌ / فَعْلٌ وَ نَائِبُ فَاعِلِهِ مُسْتَتِرٌ
- (٣) فَعْلٌ مَضَارِعٌ، مَفْرَدٌ مُؤَنَّثٌ غَائِبٌ، مَزِيدٌ ثَلَاثِي (مَصْدَرُهُ: تَفْهِيمٌ)، مَعْلُومٌ / فَعْلٌ وَ مَعِ فَاعِلُهُ جُمْلَةٌ فَعْلِيَّةٌ
- (٤) فَعْلٌ مَضَارِعٌ، لِلْمَخَاطَبِ، مَجْرَدٌ ثَلَاثِي / الْفَعْلُ وَ الْفَاعِلُ خَبْرٌ لِكَلِمَةِ (زَمِيلَةَ)

۱۷ مَيِّزُ الخَطَأَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ أَوْ المَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌ فِي العِبْرَةِ التَّالِيَةِ: (العَمَالُ المُجْتَهِدُونَ يَشْتَغَلُونَ فِي المَصْنَعِ فِي بَعْضِ أَيَّامِ العُطْلَةِ).

- (۱) العَمَالُ: اسم، جمع تكسير، اسم فاعل، معرفة / مُبتدأ
- (۲) المُجْتَهِدُونَ: اسم، جمع مذكّر سالم، معرّف بآل، اسم مفعول / صفة
- (۳) يَشْتَغَلُونَ: فعل مضارع، جمع مذكّر، ثلاثي مزيد من باب افتعال / فاعله ضمير (الواو)
- (۴) المَصْنَعُ: اسم، مفرد مذكّر، مشتق (اسم مكان)، معرفة / مجرور بحرف الجر

۱۸ مَيِّزُ الخَطَأَ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الحُرُوفِ:

- (۱) تَعَلَّمَ هَذَا العَالِمُ اللُّغَةَ الإِنجِلِيزِيَّةَ مِنَ السُّيَّاحِ الَّذِينَ يَأْتُونَ لِمُشَاهَدَةِ الأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.
- (۲) لَمْ يُوَصِّلِ العَقَّادُ دِرَاسَتَهُ فِي مُحَافَظَتِهِ وَكَانَ يُطَالِعُ الكُتُبَ المُخْتَلِفَةَ.
- (۳) أُكْتُبُ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوَضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ المُعْجَمِ.
- (۴) هَذَا العَالِمُ لَهُ أَفْكَارٌ عَمِيقَةٌ وَحَدِيثَةٌ وَ يُدْرَسُ فِي الجَامِعَةِ.

۱۹ عَيِّنِ المَسْتَنَى مِنْهُ مَحذُوفًا:

- (۱) مَا كَانَ المَدِيرُ قَدْ قَبِلَ جَمِيعَ المَوْظُفِينَ إِلاَّ وَاحِدًا مِنْهُمْ!
- (۲) لَا يَثُورُ ضَدَّ الظُّلْمِ وَ الظَّالِمِينَ فِي العَالَمِ إِلاَّ المُؤْمِنُونَ!
- (۳) لَمْ يَتَأَمَّلِ أَغْلَبُ النَّاسِ حَوْلَ خَلْقَتِهِمْ إِلاَّ العَقْلَاءَ مِنْهُمْ!
- (۴) مَا رَاقَبَتِ الأُمُّ أَعْمَالَ أَوْلَادِهَا اليَوْمَ إِلاَّ لِعِبِهِمُ الكَثِيرِ!

۲۰ فِي أَيِّ الأَجُوبَةِ جَاءَ الحِصْرُ وَ الإِخْتِصَاصُ:

- (۱) أَدَيْتُ امْتِحَانَ جَمِيعِ الدَّرُوسِ وَ مِنْهَا اللُّغَةُ العَرَبِيَّةِ.
- (۲) لَا أَمْلِكُ مِثْقَالَ ذَهَبًا.
- (۳) مَا قَرَأْتُ إِلاَّ دَرَسَ اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ.
- (۴) لَا تَتَعَدَّدُ جُلُوسَاتُ البَحْثِ فِي المَدْرَسَةِ حَتَّى هَذَا الأُسْبُوعِ.

۲۱ عَيِّنِ المَسْتَنَى يَخْتَلِفُ نَوْعُهُ عَنِ البَاقِي:

- (۱) لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ إِلَى المَدْرَسَةِ إِلاَّ المَعْلَمِينَ.
- (۲) لَا يَنْجَحُ فِي هَذِهِ الامْتِحَانَاتِ إِلاَّ الحُكَمَاءُ.
- (۳) مَا ضَرَبَ أَحَدٌ إِلاَّ المُذْنِبِ.
- (۴) مَا نَجَحَ الطُّلَّابُ إِلاَّ المَجْتَهِدِينَ.

۲۲ عَيِّنِ المَسْتَنَى مِنْهُ غَيْرَ مَحذُوفٍ:

- (۱) مَا اسْتَعْدَمْتُ فِي مَقَالَتِي إِلاَّ الأَمْثَالَ القَرَّائِيَّةَ!
- (۲) لَنْ يَشْتَرِكَ فِي مَسَابِقَةِ القَفْزِ إِلاَّ أَرْبَعَةٌ تَلَامِيذًا!
- (۳) لَا يَخْرُجُ أَحَدٌ مِنَ الصَّفِّ إِلاَّ مَنْ شَاهَدْتُ وَاجِبَاتِهِ!
- (۴) لَمْ يَسْهَرِ اللَّيْلَةَ المَاضِيَةَ عَلَى سَرِيرِ المَرِيضِ إِلاَّ أُمِّي!

۲۳ مَيِّزُ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ «المَسْتَنَى مِنْهُ»:

- (۱) طَالَعْتُ هَذَا الكِتَابَ كُلَّهُ فِي المَكْتَبَةِ العَامَّةِ إِلاَّ خَمْسَ صَفْحَاتٍ مِنْهُ: المَكْتَبَةُ
- (۲) لَا يَقُولُ المُؤْمِنُونَ فِي كُلِّ الأَحْوَالِ إِلاَّ الصِّدْقَ: المُؤْمِنُونَ
- (۳) كُلُّ يَوْمٍ يَذْهَبُ الأَوْلَادُ إِلَى المَدْرَسَةِ إِلاَّ يَوْمَ الجُمُعَةِ: الأَوْلَادُ
- (۴) يَغْفِرُ اللهُ الذُّنُوبَ يَوْمَ القِيَامَةِ إِلاَّ الشَّرْكََ باللهِ: الذُّنُوبُ

۲۴ مَيِّزُ مَا لَا يَدُلُّ عَلَى أُسْلُوبِ الحِصْرِ وَ الإِخْتِصَاصِ:

- (۱) مَا قَرَأْتُ هَذَا الصِّبَاحَ إِلاَّ تِلْكَ المَجَلَّةَ.
- (۲) الأَصْدِقَاءُ مَا سَبَّحُوا فِي البَحْرِ إِلاَّ أَحْمَدَ.
- (۳) لَا يَسْتَفِيدُ مِنْ تِجَارِبِ الحَيَاةِ إِلاَّ العَاقِلُ.
- (۴) مَا كَانَ فِي مَكْتَبَةِ الجَامِعَةِ إِلاَّ زَمِيلَتِي.

۲۵ مَيِّزُ «إِلاَّ» مَا جَاءَتْ إِلاَّ لِلإِسْتِثْنَاءِ:

- (۱) لَا يَصِلُ إِلَى الغَايَةِ السَّامِيَةِ إِلاَّ الطَّالِبُ المُجْتَهِدُ.
- (۲) نَبَّهتِ الأُمُّ أَوْلَادَهَا إِلاَّ يَلْعَبُوا قُرْبَ النَهْرِ الفَائِضِ.
- (۳) لَا يَسْتَطِيعُ صُعُودَ هَذَا الجَبَلِ المُرتَفِعِ إِلاَّ القَوِيُّ.
- (۴) كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلاَّ وَعَاءَ العَلِيمِ.

مبحث آزمون	زمان پیشنهادی	شماره صفحات پاسخ تشریحی
عربی دوازدهم - درس ۳ - اسلوب استثناء و حصر	۱۸ دقیقه	۲۷۸ و ۲۷۹



■ عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ لِلْجَوَابِ فِي التَّرْجِمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۷):

۱ «بيني هذا الطائر عَشَّهُ فوقَ جبالٍ مُرتفعة و عِنْدَمَا تَكْبُرُ فِرَاحُهُ يَطْلُبُ مِنْهَا أَنْ تَقْفَزَ مِنْ عَشِّهَا الْمُرْتَفِعِ.»:

- ۱) لانه این پرنده در بالای کوه‌های بلند ساخته می‌شود و هنگام بزرگ شدن جوجه‌ها از آن‌ها می‌خواهد از لانه بلندشان پرواز کنند.
- ۲) این پرنده لانه‌اش را بالای کوه‌های بلند می‌سازد و هنگامی که جوجه‌های بزرگ می‌شوند از آن‌ها می‌خواهد که از لانه بلند خود بپروازند.
- ۳) این پرنده لانه بلند در بالای کوه‌ها بنا می‌کند و جوجه‌های خود را بعد از بزرگ شدن از بالای لانه بلند پرتاب می‌کند.
- ۴) این پرنده بالای کوه‌های بلند لانه خود را می‌سازد و هنگام بزرگ شدن جوجه‌ها از آن‌ها می‌خواهد که از لانه بلندشان به پرواز دربیایند.

۲ «هناك نوعٌ مِنَ النَّملِ لا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَقَاوِمَ أَمَامَ أَرْبَعِينَ دَرَجَةً مِنَ الْحَرَارَةِ إِلَّا عَشْرَ دَقَائِقٍ!»:

- ۱) نوعی مورچه وجود دارد که در برابر ۴۰ درجه حرارت فقط ۱۰ دقیقه می‌تواند مقاومت کند!
- ۲) یک نوع مورچه وجود دارد که در برابر بیش از ۴۰ درجه حرارت تنها ۱۰ دقیقه مقاومت می‌کند!
- ۳) نوعی از مورچه‌ها آنجا موجود است که در مقابل حرارت ۴۰ درجه‌ای به‌جز ۱۰ دقیقه مقاومت نمی‌کند!
- ۴) یک نوع از مورچه‌ها هستند که نمی‌توانند در مقابل حرارت بیش از ۴۰ درجه بیشتر از ۱۰ دقیقه مقاومت کنند!

۳ «الآياتُ الْعِلْمِيَّةُ فِي الْقُرْآنِ تُخَاطِبُ الْإِنْسَانَ الَّذِي لا يَطْمَئِنُ قَلْبُهُ إِلَّا عَنِ طَرِيقِ الْعِلْمِ وَ التَّجْرِبَةِ.»:

- ۱) آیه‌های علمی قرآن انسانی را مورد خطاب قرار می‌دهد، انسانی که جز از راه علم و دانش قلبش اطمینان نمی‌یابد.
- ۲) آیه‌های علمی در قرآن انسان را که جز از طریق دانش و آزمایش قلبش آرامش نمی‌یابد، مورد خطاب قرار می‌دهد.
- ۳) آیه‌های علمی قرآن انسانی را که جز از راه دانش تجربی قلبش آرام نمی‌گیرد، مورد خطاب قرار می‌دهد.
- ۴) آیه‌های علمی در قرآن همیشه انسانی را مورد خطاب قرار می‌دهد که جز از طریق آزمایش در علوم قلبش آرام نمی‌گیرد.

۴ مَيِّزَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجِمَةِ:

- ۱) لا تَقُلْ إِلَّا الْحَقَّ: حق را فقط بگو.
- ۲) لا تَفْعَلُوا إِلَّا الْحَسَنَاتِ: فقط خوبی‌ها را انجام دهید.
- ۳) لَيْسَ الْمَفْلُحُ إِلَّا الصَّادِقُ: فقط راستگاران راستگو است.
- ۴) ما كَانَ فِي الْمَزْرَعَةِ إِلَّا فَلَاحٌ: فقط در مزرعه کشاورز بود.

۵ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) عِنْدَمَا أَشْعُرُ بِالْأَلَمِ أَلْتَصِقُ بِالْأَرْضِ بِالسَّجُودِ الطَّوِيلِ.: هنگامی که احساس درد می‌کنم با سجده طولانی به زمین می‌چسبم،
- ۲) وَأُخْرِجُ كُلَّ مَا بَدَاخِلِي فَسَأَجِدُ هُنَاكَ مَنْ يَسْمَعُنِي.: و آنچه را در درون دارم بیرون می‌ریزم پس در آنجا کسی را خواهم یافت که به او گوش دهد.
- ۳) وَ مَا أَعْرِفُهُ إِلَّا بَعْدَ أَنْ أَسْبَحُهُ لَيْلاً وَ نَهَاراً بِالْإِشْتِياقِ.: و او را نشناختم مگر اینکه شبانه روز به خاطر شوقم وی را تسبیح گفته باشم،
- ۴) وَ هَذَا الشُّوقُ لا يُوصِلُنِي إِلَّا إِلَى مَنْ هُوَ اللهُ الْوَاحِدُ!: و این اشتیاق مرا به کسی که همان خدای واحد است رسانده است!

۶ مَيِّزَ الصَّحِيحِ لِتَعْرِيبِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: (هیچ اشکالی در مطالعه این کتاب برای بار دوم وجود ندارد.)

- ۱) لا إِشْكَالَ فِي مُطَالَعَةِ هَذَا الْكِتَابِ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.
- ۲) لا مُشْكَلَ فِي الْمَطَالَعَةِ مَرَّتَيْنِ لِهَذِهِ الْكُتُبِ.
- ۳) لا يَشْكَلُ مُطَالَعَةُ هَذَا الْكِتَابِ مَرَّتَيْنِ.
- ۴) لا يُوجَدُ إِشْكَالٌ لِمَطَالَعَةِ هَذَا الْكِتَابِ اثْنَيْنِ.

۷ ما هُوَ الْمَفْهُومُ الْمَعَادِلُ لِـ (قَرَأْتُ الْكِتَابَ إِلَّا مَصَادِرَةً.):

- ۱) مَا قَرَأْتُ سِوَى مَصَادِرِ الْكِتَابِ.
- ۲) لَمْ أَقْرَأْ إِلَّا مَصَدِرًا مِنْ مَصَادِرِ الْكِتَابِ.
- ۳) قَرَأْتُ الْكِتَابَ كُلَّهُ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِ صَفْحَةٍ مِنْهُ.
- ۴) لَمْ أَقْرَأْ مَصَادِرَ الْكِتَابِ.

۸. إِمْلَأِ الْفَرَاقَاتِ حَسَبَ التَّرْجَمَةِ: (سُقُوطِ الْفِرَاحِ مِنْ عَشَّهَا مَشْهَدٌ ولكن لا منه: افتادن جوجه ها از لانه خود صحنه ترسناکی است، ولی هیچ گریزی از آن نیست.)

- (۱) خَائِفٌ - أُسْلُوبٌ
(۲) مُرْعَبٌ - فِرَارٌ
(۳) مُحْزِنٌ - هَرُوبٌ
(۴) حَزِينٌ - إِشْكَالٌ

۹. مَيِّزِ الْخَطَأَ لِلْفِرَاغِ:

- (۱) مَاءٌ ذَلِكَ التَّهَرُّ بِسَبَبِ كَثْرَةِ الْأَمْطَارِ: فَاصُّ
(۲) الْمُؤْمِنُ نَظَرُهُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ: يَغُصُّ
(۳) الْكِتَابَ قَبْلَ الدَّخُولِ فِي قَاعَةِ الْإِمْتِحَانِ: تَصَفَّحْتُ
(۴) الْمُمَرِّضَةُ اللَّيْلَ لِلْعِنَايَةِ بِالْمَرِيضِ: تُدَاوِي

۱۰. مَيِّزِ الصَّحِيحَ فِي عِلَامَةِ (=) أَوْ (≠):

- (۱) يَرُخُّصُ ≠ يَغْلُو / صَحَفِيٌّ = مُفَكِّرٌ
(۲) وَائِقٌ ≠ مُطْمَئِنٌّ / إِتَّسَعَ = أَصْبَحَ وَسِيعاً
(۳) أَعْلَى ≠ أَسْفَلٌ / نَشَأَ = تَرَبَّى
(۴) حَدِيثٌ ≠ جَدِيدٌ / مَصْدَرٌ = مَبْنِعٌ

۱۱. مَيِّزِ جَمْعَ التَّكْسِيرِ الصَّحِيحَ لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (فَاكِهَةٌ، شَدَّةٌ، صَحِيفَةٌ، طَعَامٌ)

- (۱) فَوَاكِهِ، أَشْدَاءٌ، صَحِيفَاتٌ، طُعُومٌ
(۲) فَاكِهَاتٌ، شَدَائِدٌ، صَحُوفٌ، أَطْعِمَةٌ
(۳) فَوَاكِهِ، شَدَائِدٌ، صُحُفٌ، أَطْعِمَةٌ
(۴) فَاكِهَاتٌ، شَدَاتٌ، صَحِيفَاتٌ، طَعَامَاتٌ

۱۲. مَيِّزِ الْخَطَأَ فِي السُّؤَالِ أَوْ الْجَوَابِ:

- (۱) مِمَّنْ تَعَلَّمَ الْعَقَادَ اللُّغَةَ الْإِنْجَلِيزِيَّةَ؟ - تَعَلَّمَهَا لِيَدْرَسَ الْأَدَبَ الْغَرْبِيَّ.
(۲) أَيْنَ وَجَدْتَ الْكِتَابَ؟ - وَجَدْتُهُ فِي مَكْتَبَةِ الْجَامِعَةِ.
(۳) هَلْ أَنْتَ وَائِقٌ مِنْ وَصُولِ الْقَطَارِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ؟ - نَعَمْ، أَنَا وَائِقٌ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ.
(۴) لِمَ سَهَرْتَ الْمُمَرِّضَةَ؟ - سَهَرْتُ لِلْعِنَايَةِ بِالْمَرِيضِ.

■ إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۱۳-۱۶) بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

لا شكَّ أنَّ قِسْماً من المَوَادِّ الغِذَائِيَّةِ هُوَ الْمَسْئُولُ الْأَوَّلُ عَنِ إِصَابَةِ الْإِنْسَانِ بِأَمْرَاضِ الْقَلْبِ، وَلَكِنَّا يَجِبُ أَنْ لَا نَنْسِيَ حَقِيقَةَ أُخْرَى وَهِيَ أَنَّ لِبَعْضِ الْإِنْفِعَالَاتِ وَالتَّأَثُّرَاتِ الَّتِي تَحْرَبُ هِدْوَةَ الْإِنْسَانِ أَيْضاً نَصِيحاً فِي الْإِبْتِلَاءِ بِالْأَمْرَاضِ الْقَلْبِيَّةِ! وَفِي هَذَا الْمَجَالِ قَدْ وَجَدَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ بَعْضَ الْحَيَوَانَاتِ الَّتِي لَا تَتَنَاوَلُ شَيْئاً مِنَ الْأَطْعِمَةِ الْمَضْرَّةِ أَصَابَتْ بِنَوْعٍ مِنَ الْأَمْرَاضِ الشَّرِيَانِيَّةِ وَلِذَلِكَ يَعْتَقِدُ الْأَطْبَاءُ بِمَا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ فَارِغَةً مِنَ الْمَشْكَلَاتِ، فَعَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يُرَاعِيَ كَيْفِيَّةَ حَيَاتِهِ حَتَّى يُسَيِّطِرَ عَلَيْهِ الْيَأْسُ وَ الْكَآبَةُ وَ الْحُزْنُ. فَانْهَآ مَهْلِكَةٌ أَيْضاً!

۱۳. عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (۱) السبب الوحيد للموت يعود إلى المشكلات الغذائية!
(۲) لا نجد إنساناً لا يواجه مشكلة في حياته!
(۳) نستطيع أن نصنع حياة ليس فيها صعوبة و لا مصيبة!
(۴) لا شعور للحيوانات فلا تؤثر عليها العواطف!

۱۴. عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ:

- (۱) الحالات النفسية تقتل الإنسان أكثر من العوامل الأخرى!
(۲) الصعوبات جزء من وجود الإنسان، فإنها لا تأتي من الخارج!
(۳) الجميع يرون أنَّ القلب و أمراضه هو السبب الوحيد لهلاك الإنسان و الحيوانات!
(۴) الطريق الصحيح هو عدم الاقتراب من أمور تخرب معنويات الإنسان و حياته!

۱۵. بِأَسْبَابِ الْمَوْتِ يُسَبَّبُ أَنْ لَا بِأُمُورٍ تَقْتُلُ جَمَاعَاتُ! عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاقَاتِ:

- (۱) يَجْهَلُ - تَفَكَّرَ - فِي يَوْمٍ
(۲) الْجَاهِلُ - تَعَرَّفَ - الْأَيَّامَ
(۳) الْجَهْلُ - نَهْتَمَّ - كُلَّ يَوْمٍ
(۴) الْجَهَالَةُ - نَعْرِفَ - الْيَوْمَ

۱۶. مَاذَا نَسْتَنْتِجُ مِنَ النَّصِّ؟

- (۱) يجب أن نتناول من الأطعمة المضرة!
(۲) من لم يتبعد عنه المشكلات ليقترب من الموت!
(۳) على الإنسان أن يتعوّد على قبول المصائب!
(۴) يجب أن لا نسمح بِسَيِّطْرَةِ الْحَالَاتِ الْمَضْرَّةِ عَلَيْنَا!

مَيِّز «إِلَّا» ماجاءت لِلاستثناء:

- ١) طالعُ الكتابِ كُلُّه إِلَّا صَفْحَتَيْنِ.
٢) الأَطْفَالُ لَعِبُوا فِي السَّاحِلِ وَرَكَضُوا إِلَّا أَخِي الصَّغِيرِ.
٣) مَا زَرَعَ الْفَلَّاحُونَ هَذَا الْمَوْسِمَ إِلَّا الْحِنْطَةَ.
٤) مَا اسْتَسْلَمَ الْمُهَنْدِسُونَ أَمَامَ الصُّعُوبَاتِ إِلَّا الضَّعِيفَ مِنْهُمْ.

مَيِّز «المستثنى منه» جمعاً للتكسير:

- ١) لَمْ يَرْكَبِ الْمُسَافِرُونَ السَّيَّارَةَ حَتَّى الْآنَ إِلَّا اثْنَيْنِ مِنْهُمْ.
٢) كُلَّ يَوْمٍ يَذْهَبُ الطَّلَابُ إِلَى الْجَامِعَةِ إِلَّا يَوْمَ الْجُمُعَةِ.
٣) لَا يَسْتَفِيدُ مِنْ تِجَارِبِ الْحَيَاةِ إِلَّا الْعَاقِلُ.
٤) يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا الشُّرْكَ بِاللَّهِ.

مَيِّز الصحيح في تعيين «المستثنى منه»:

- ١) هَذَا الرَّجُلُ لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ إِلَّا الدُّعَاءُ: الرَّجُلُ
٢) مَا طَالَعْتُ لَيْلَةَ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا كِتَابَ الْعَرَبِيَّةِ: كِتَابَ الْعَرَبِيَّةِ
٣) الْأَصْدِقَاءُ حَضَرُوا فِي حَفْلِ التَّخْرِجِ إِلَّا مَنْصُورًا: الْأَصْدِقَاءُ
٤) الزَّمَلَاءُ يَدْرُسُونَ كُلَّ يَوْمٍ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا حَمِيدًا: كُلَّ يَوْمٍ

مَيِّز الخطأ في تعيين نوع «لا»:

- ١) لَا نَشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا النِّشَاطَ: «لا» النافية
٢) لَا إِشْكَالَ فِي مِطَالَعَةِ عِدَّةٍ كَتَبَ حَوْلَ مَوْضُوعٍ مُعَيَّنٍ: «لا» التافية للجنس
٣) لَا تَنْتَهَمُ أَحَدًا بِمَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ: «لا» الناهية
٤) لَا طَعَامَ لِفِكْرِ الْإِنْسَانِ كَالْمِطَالَعَةِ: «لا» النافية

مَيِّز الحصر و الاختصاص:

- ١) مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ.
٢) لَا يَقُولُ الْمُؤْمِنُ كَلِمًا إِلَّا الصِّدْقَ.
٣) الطَّلَابُ تَقَدَّمُوا فِي دَرُوسِهِمْ إِلَّا هَاشِمًا.
٤) مَا رَجَعَ أَحَدٌ إِلَّا حَمِيدًا.

عَيِّن الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَحْذُوفًا:

- ١) لَمْ يَكُنْ فِي تِلْكَ الْمِزْرَعَةِ إِلَّا قَلَّاحٌ وَاحِدٌ.
٢) اعْتَمَدَ النَّاسُ عَلَى نَفْسِهِمْ فِي الدُّنْيَا إِلَّا الْخَائِفِينَ مِنْهُمْ!
٣) وَهَبَ أَلْبَسْتَهُ فَقِيرًا قَدْ مَرَّ بِدَارِهِ إِلَّا وَاحِدًا مِنْهَا!
٤) مَا سَمِعْتُ خَبْرًا مِنَ التَّلَافُزِ إِلَّا الْأَخْبَارَ الْاِقْتِصَادِيَّةَ!

مَيِّز الصحيح لصياغة أسلوب الاستثناء: (نصَحَ المُدرِّسُ جميعَ الطَّلَابِ)

- ١) لِيَدْرُسُوا جَيِّدًا.
٢) أَلَّا يَنْكَاسِلُوا.
٣) إِلَّا الطَّالِبَ الْمَشَاغِبَ.
٤) لَكِنْ بَعْضَهُمْ لَمْ يَسْمَعْ.

مَيِّز الصحيح في التحليل الصرفي و المحلَّ الإعرابي للكلمات التي تحتها خط: (العَقَادُ مِنْ أَهَمِّ الْكُتَابِ فِي مِصْرَ وَ كَانَ جَدِيرًا بِالتَّقْدِيرِ وَ وَاجَةٌ ظُرُوفًا صَعْبَةً فِي حَيَاتِهِ.)

- ١) أَهَمٌّ: فعل ماضٍ، مفرد، من باب «إفعال»، مزيد ثلاثي
٢) الْكُتَابُ: اسم، مفرد مذكر، جامد، معرفة / فاعل
٣) جَدِيرًا: اسم، مفرد مذكر، نكرة / حال
٤) صَعْبَةً: اسم، مفرد مؤنث، نكرة / صفة

مَيِّز الصحيح في تعيين المحلَّ الإعرابي لما تحته خط:

- ١) مَا دَرَسَ الْعَقَادُ إِلَّا فِي الْمَرْحَلَةِ الْاِبْتِدَائِيَّةِ: مضاف إليه، مُسْتَثْنَى
٢) كُلُّ شَيْءٍ يَزُخُّصُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ: فاعل، مُسْتَثْنَى
٣) مَا طَالَعْتُ لَيْلَةَ الْاِمْتِحَانِ كِتَابًا إِلَّا كِتَابَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ: مفعول به، صفة
٤) أُعْطِيَ الْمَدِيرُ مَسْئُولِيَّةَ الْمَكْتَبَةِ لِزَمِيلِي وَ هُوَ جَدِيرٌ بِهَا: مجرور بحرف الجر، حال

پاسخ تشریحی آزمون ۱۵

۱- (إِنْ) به معنی «اگر، چنانچه، هرگاه و...» می‌باشد و چون جمله شرطی است، فعل ماضی (تَأَمَّلْنَا) به صورت مضارع ترجمه می‌شود. در گزینه (۱)، «خوب»، «قطعاً» و «خواست‌هایمان» نادرست است. در گزینه (۲) «همانا» و عدم ترجمه «کَلَّ»... نادرست است و در گزینه (۴) هم، «خوب»، «قطعاً» و «از قبیل» نادرست است.

سراسری تجربی - ۹۱

۲- جمله صورت سؤال شرطی است. در گزینه (۲)، «دانایانی»، و در گزینه (۳)، «هر امری» نادرست است. بنابراین بین گزینه‌های (۱) و (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم. در گزینه (۱)، فعل (أَنْ يَعْرَمَ) ترجمه نشده است بنابراین این گزینه هم حذف می‌گردد.

سراسری انسانی - ۹۷

۳- در گزینه (۲) فعل شرط و جواب شرط داریم و همان‌طور که می‌دانیم جواب شرط را علاوه بر مضارع اخباری می‌توان به صورت مستقبل نیز ترجمه کرد.

۴- در گزینه (۴)، (احترم) فعل امر است و باید به صورت فعل ترجمه گردد. در گزینه (۱) (لآیات) به معنی «نشانه‌ها» و در گزینه (۲) (مفاتیح) به معنی «کلیدها» می‌باشد.

سراسری انسانی - ۹۷

۵- یُبْعِدُ عَنْهُ الشَّرَّ: بدی را از او دور می‌کند / (يُبْعِدُ) به باب افعال رفته و متعدی شده است و به صورت «دور می‌کند» ترجمه می‌گردد.

سراسری انسانی - ۹۵

۶- با توجه به «حقیقت زندگی: حقیقة الحیاة» و «عمر خود: عمره» فقط گزینه (۳) صحیح است.

۷- این سؤال بسیار قشنگی است! (كَأَنَّ لَا يُسْمَعُ: نزدیک بود که شنیده نشود) ← (به سختی شنیده شد) و این معنی فقط در گزینه (۲) آمده است.

۸- دقت کنید در این سؤال جمله غیرمناسب مدنظر است بنابراین گزینه (۳) که جزء خصوصیات خوب است، نمی‌تواند جزء صفات دانش‌آموز نامنظم و شلوغ کار به حساب بیاید.

۹- کلمات متضاد در بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): طوبیة ≠ قصیرة / گزینه (۳): الأراذل ≠ الأفاضل / گزینه (۴): یرسب ≠ یثجج

۱۰- علم مطالعه خواص مواد = شیمی

۱۱- معنی عبارت صورت سؤال: «حتی اگر امیر و صاحب مقام باشی برای پدر و معلمت از جایبت برخیز و احترام و منزلت آن‌ها را حفظ کن.»

درک مطلب

زمین دارای مغناطیسی است که وظیفه‌ای بسیار مهم برای این کره خاکی بر عهده دارد و آن عبارت است از: «دور کردن شعاع‌های نوری که هر لحظه از سوی خورشید به زمین می‌تابد.» تا این شعاع‌ها جز مقدار بسیار کمی از آن، به زمین نرسد و این مقدار کم نیز به سوی قطب‌های شمال و جنوب هدایت بشود و اگر این شعاع‌ها به سطح زمین برسد، انسان نمی‌تواند حتی برای لحظاتی بسیار کم روی آن زنده بماند چرا که این شعاع‌های نوری بسیار شبیه تشعشعات بمب‌های هسته‌ای است که زمین را و هر آنچه در آن است نابود می‌سازد.

۱۲- معنی گزینه (۳): «انسان نمی‌تواند که در مقابل اشعه خطرناک خورشیدی قرار بگیرد.» معنی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): در اشعه چیزی وجود ندارد که به موجودات ضرر برساند. / گزینه (۲): مقدار بسیار کمی از اشعه‌های خورشید هرگز به زمین نمی‌رسند و بیشتر آن‌ها می‌رسند. / گزینه (۴): انسان راه‌های زیادی برای مقابله با اشعه خطرناک خورشیدی دارد.

۱۵- ۴- با توجه به متن فقط گزینه (۴) صحیح است: «مصرف آب پرتقال کمتر از مصرف خود میوه پرتقال است.» معنی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): خوردن پرتقال اعصاب انسان را آرام می‌کند. / گزینه (۲): خوردن پرتقال در تابستان بیش از زمستان است. / گزینه (۳): دانشمندان اخیراً کشف کردند که پرتقال در درمان سرماخوردگی مؤثر است.

۱۶- ۲- معنی عبارت صورت سؤال: «کدام قسمت از درخت پرتقال دارای ویتامین‌های مفید برای درمان سرماخوردگی است؟» با توجه به متن، فقط خود میوه پرتقال چنین خاصیتی دارد!

۱۷- ۳- اسم تفصیل بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): أَهَمَّ (بر وزن أَفْعَل) و به معنی (مهم‌ترین) می‌باشد. / گزینه (۲): الآخرین (مفرد آن، آخر) و بر وزن أَفْعَل) است. / گزینه (۴): الأفاضل (مفرد آن = أَفْضَل).

۱۸- ۳- (أَحْسَن) در گزینه (۳) به معنی (خوبی کن) و فعل امر از (أَحْسَن - يُحْسِنُ) می‌باشد، اما در بقیه گزینه‌ها اسم تفضیل است و به معنی «بهتر» یا «بهترین» است.

۱۹- ۳- اسم مکان بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): مَتَجَّر، بر وزن مَفْعَل و به معنی «محل تجارت یا مغازه» می‌باشد. / گزینه (۲): مَقاصِد، مفرد آن (مَقْصِد) و بر وزن (مَفْعَل) است. / گزینه (۴): مَطْبَعَة، بر وزن (مَفْعَلَة) و به معنی «چاپخانه» است.

۲۰- ۳- در گزینه (۳)، (فُضِّلَ) = اسم تفضیل مؤنث) باید به صورت (أَفْضَل) بیاید، چون بعد از آن (مِن) آمده است. یعنی اسم تفضیل‌های مؤنث اصولاً با (مِن) نمی‌آیند.

یعنی هنگام مقایسه بین دو اسم مؤنث مانند (مریم و زینب) از اسم تفضیل مذکر (بر وزن أَفْعَل) استفاده می‌کنیم نه (فُعَلَى).

۲۱- ۱- در گزینه (۱) چون مستقیماً بعد از (خیر) کلمه‌ای آمده است که مضاف‌الیه است، حتماً (اسم تفضیل) است اما در بقیه گزینه‌ها به معنی «خوبی» و مصدر و جامد است.

۲۲- ۲- مفرد أنصار، (تصیر) است و اسم تفضیل نمی‌باشد.

۲۳- ۲- أَقْصَى بر وزن (أَفْعَل) و مذکر است و از روی کلمه قبل از آن یعنی المسجد که موصوف آن می‌باشد، به راحتی قابل تشخیص است. در بقیه گزینه‌ها، کلمات (غَلِيا، دنیا (مذکر آن: أَدْنَى) و أَوْلَى (مذکر آن: أَوْلَى)) بر وزن فُعَلَى و اسم تفضیل مؤنث هستند. ضمناً در گزینه (۴)، «الآخرین» که مفردش «الآخر» است، اسم تفضیل مذکر است.

۲۴- ۴- (لَا تُجَادِلُوا) نهی از (جَادَل - يُجَادِلُ - مُجَادَلَة (مُفَاعَلَة)) می‌باشد و حرکت یک حرف ما قبل آخر آن باید کسره باشد نه فتحه. از کجا بفهمیم این فعل متعلق به باب (تَفَاعَل) نیست؟

با توجه به نهی بودن این فعل نتیجه می‌گیریم که (ت) اول آن نشانه مضارع مخاطب است و به عبارت دیگر مفرد آن (لَا تُجَادِلُوا) و (ت) به کار رفته در آن نشانه باب (تَفَاعَل) نیست.

۲۵- ۲- دقت کنید در این سؤال گزینه‌ای خواسته شده است که هم «اسم تفضیل» و هم «اسم مکان» داشته باشد. / گزینه (۲): أَحْسَن، اسم تفضیل، مقالات (مَقَال) و مَجَالَات (مَجَال)، اسم مکان هستند.

پاسخ تشریحی آزمون ۱۶

سراسری هنر - ۹۵

- ۱- ۲- اَصْبِرْ مِنْ ... : صبورتتر از ...
- ۲- ۱- (قَصِيْدَةٌ) اول، نکره و (القَصِيْدَةُ) دوم، معرفه است بنابراین هنگام ترجمه می‌توان قبل از دومی، کلمه (این) یا (آن) را بیاوریم و هیچ اشکالی از نظر ترجمه ندارد.
- ۳- ۲- الْمُحِيْطُ الْهَادِيّ: اقیانوس آرام / در ضمن جمله (تَنَّمُو ...) وصفیه به شمار می‌رود و هنگام ترجمه قبل از آن «که» می‌آوریم یعنی ترجمه درست گزینه (۲)، «این درختی است استوائی که در جزیره‌های اقیانوس آرام رشد می‌کند.» می‌باشد.
- ۴- ۲- التَّارِيْخُ الدَّهْبِيّ: تاریخ زرین / هنگام ترجمه به معرفه یا نکره بودن اسم باید دقت کرد.
- ۵- ۲- مَلْعَبٌ مَدِيْنَتِنَا الصَّغِيْر: استادبوم کوچک شهر ما ...
سؤال: در این گزینه چرا کلمه (الصَّغِيْر) را صفت برای (مَدِيْنَةٌ) در نظر نمی‌گیریم؟ پاسخ: «الصَّغِيْر» مذکر است و (المَدِيْنَةُ) مؤنث، بنابراین نمی‌تواند صفت آن باشد.
- ۶- ۴- با توجه به ضمیر متصل به (تَحَمَّلْ)، گزینه (۴) را که به صورت (تَحْمَلْش) آمده، انتخاب می‌کنیم.
- ۷- ۱- با توجه به فعل (افزود) که ماضی است، از بین گزینه‌های (۱) یا (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم. در گزینه (۴)، (أَعْلَمُ مِنْ = عالم‌تر از ...) نادرست است.
- ۸- ۲- (هُنَاكَ) اگر اول جمله بیاید، به صورت (وجود دارد) معنی می‌شود (رد گزینه‌های (۱) و (۴)) و (محاصیل) «جمع» است، نه «مفرد» (رد گزینه (۱)). ضمناً دلیل دیگر رد گزینه (۱)، «کشاورزان» باید به صورت «کشاورزان روستا» معنی شود.
- ۹- ۴- معنی عبارت صورت سؤال: «عالمی که از علمش بهره‌برداری می‌شود از هزاران عابد برتر و بهتر است.»
- ۱۰- ۴- حَارِسُ الْمَرْمَى: دروازه‌بان درک مطلب
در روزی از روزها رود کوچک به چشمه آب گفت: من از حرکت کردن خسته شدم. دوست دارم کمی استراحت کنم. چشمه آب جواب داد: «ولی باغ‌ها و گنجشکان و تمامی پرندگان انتظار تو را می‌کشند.»
رود کوچک گفت: «مستولیت این کار با من نیست!»
چشمه از این کلام رود ناراحت شد و گفت: «هر کاری می‌خواهی انجام بده، ولی بدان که عاقبت پشیمان خواهی شد.» به این نحو بود که رود از حرکت کردن ایستاد. کم‌کم رنگ رود تغییر کرد: زلالی و تمیزی او از بین رفت و او به آبگیری (مردابی) بدبو که پر از حشرات مضر است، تبدیل شد.
- ۱۱- ۲- معنی گزینه (۲): «حرکت کردن [خودش] باعث سرزندگی و حیات است.» معنی بقیه گزینه‌ها:
گزینه (۱): حرکت کردن نیازمند استراحت است. / گزینه (۳): توقف کردن باعث حرکت کردن است. / گزینه (۴): زندگی باعث حرکت است.

۱۳- ۲- معنی صورت سؤال: «اشعه‌های خطرناک خورشیدی را توصیف کن: آن‌ها مانند بمب هسته‌ای عمل می‌کنند.»

۱۴- ۴- معنی صورت سؤال: «فایده مغناطیس کره زمین چیست؟» معنی گزینه‌ها:

- گزینه (۱): فرستادن اشعه به سطح زمین
گزینه (۲): دور کردن نور مضر خورشید از ماه
گزینه (۳): رسیدن تشعشع‌های خطرناک به زمین
گزینه (۴): استمرار حیات انسان بر کره زمین

۱۵- ۲- معنی عبارت صورت سؤال: «اگر مغناطیس زمین نبود هیچ انسانی باقی نمی‌ماند.» معنی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): خورشید طلوع نمی‌کرد. / گزینه (۳): نور به زمین نمی‌رسید. / گزینه (۴): تشعشع‌های خطرناک خورشید نمی‌آمدند.

۱۶- ۴- در گزینه (۴)، (ما)ی شرط داریم زیرا فعل‌های بعد از آن یعنی (تَفْعَلُوا) و (يُضْعِفُ) مجزوم شده‌اند و از همه مهم‌تر، جمله، معنی شرطی دارد و اما نوع (ما) در بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): نفی (ما) کان: نبود / گزینه (۲): موصول (... ما عَلَّمْتَنِي: ... آنچه به من آموختی) / گزینه (۳): موصول (... بما يَكْرَهُان: نسبت به آنچه دوست ندارد).

۱۷- ۲- در گزینه (۲)، ادات شرطی وجود ندارد برای همین در این گزینه اسلوب شرطی نخواهیم داشت.

۱۸- ۳- در گزینه (۳) جواب شرط داریم، اما به صورت فعل نیامده است، بلکه به صورت جمله اسمیه (لَهْ أَجْرٌ) بعد از (ف) آمده است.

۱۹- ۳- در گزینه (۳)، (تَقَلَّتْ) فعل شرط و جمله اسمیه (هُوَ فِي عِيْشَةٍ رَاضِيَةٍ) جواب شرط است. درستی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): من: موصول / گزینه (۲): مَنْ: استفهام / گزینه (۴): ما: موصول (آنچه که)

۲۰- ۲- (تَمَّ) و (تَقَصَّ) با اینکه فعل ماضی هستند، چون بعد از ادات شرط (إذا) آمده‌اند، به صورت مضارع ترجمه می‌شوند.

۲۱- ۲- به توضیح تست بالا دقت کنید.

۲۲- ۱- در گزینه (۱)، (عَمَلَتْ) فعل شرط و (يَعْلَمُ) جواب شرط می‌باشد. (مَنْ) یا (ما) در بقیه گزینه‌ها جزء ادوات شرط نیستند بلکه:

گزینه (۲): ما = مای نفی / گزینه (۳): مَنْ = موصول (کسی که) در ضمن بعد از حرف (ب) آمده بنابراین نمی‌تواند، مَنْ شرط باشد. / گزینه (۴): مَنْ = موصول

۲۳- ۳- (مَنْ) در گزینه (۳) برخلاف گزینه‌های دیگر بر شرط دلالت ندارد، بلکه (مَنْ) استفهام یا پرسش است زیرا جواب شرط ندارد.

در گزینه (۳)، فعل (يُسَاعِدُ) چون مستقیماً بعد از (واو) آمده، نمی‌تواند جواب شرط باشد.

۲۴- ۳- تَقَدَّمُوا: فعل شرط / تَجَدَّوا: جواب شرط

۲۵- ۲- شکل درست بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): أَعْلَمُ: اسم تفضیل ... / گزینه (۳): الْآخِرِينَ (مفرد آن: الآخر): اسم تفضیل ... / گزینه (۴): أَلْقَى ((بر وزن أفعال (أفعی)): اسم تفضیل مذکر ...

درک مطلب

شاید زیباترین منظره در طبیعت، منظرهٔ مزارع (کشتزارها) گندم است که تا چشم کار می‌کند، دیده می‌شوند. گویا سطح زمین چون صفحه‌ای طلایی و زیبا است. آن‌گاه باد می‌وزد و خوشه‌های گندم به چپ و راست متمایل می‌شوند و به احترام خداوندگاری که در دل خاک بی‌جان راز عجیبی را قرار داد، سر تعظیم فرو می‌آورند. خوشه‌های گندم همان میوه‌های (بذر گندم) هستند که ما هر روز از آن در غذا استفاده می‌کنیم و دانه‌های آن با نظم و ترتیب جلوه‌گری می‌کنند. هرچه خوشه از دانه‌ها پرتر شود، از سر تواضع، سر مقابل خالق بزرگ‌مرتبه خم می‌کند.

۱۱- سؤال پرسیده: «خوشه‌های گندم چگونه ظاهر می‌شوند؟» با توجه به متن، خوشه‌ها در یک نظم و انسجام زیبا ظاهر می‌شوند. بررسی بقیهٔ گزینه‌ها: گزینه (۱) و (۲) که با مفهوم متن در تضاد است (بدون نظم در اعماق خاک مدفون می‌شوند). گزینه (۴) نیز اشاره به مزرعهٔ گندم دارد نه خوشه‌های گندم.

۱۲- سؤال پرسیده: «چرا خوشه‌ها خم می‌شوند؟» با توجه به عبارات، «از سر تواضع» خم می‌شوند.

۱۳- سؤال پرسیده: «چه زمان خوشه‌ها خم می‌شوند؟» با توجه به عبارات، «وقتی دانه‌هایشان زیاد و متراکم شود». بررسی بقیهٔ گزینه‌ها: گزینه (۱): وقتی کج شوند. / گزینه (۲): وقتی آشکار شوند. / گزینه (۳): وقتی بلند (کشیده) شوند.

۱۴- مناظر جمع مکسر کلمهٔ مُنْظَر (مَفْعَل)، بنابراین اسم مکان است و از نظر نقش، مضاف‌الیه است برای کلمهٔ (أَجْمَل).

۱۵- موارد نادرست در بقیهٔ گزینه‌ها:

گزینه (۱): عَلَم / گزینه (۲): مفرده (إمكان) ← درست آن: مفرده (مكان) / گزینه (۴): حال ← درست آن: خبر افعال ناقصه یا همان خبر (يُصْح)

۱۶- در گزینه (۴)، کلمهٔ (مَسْرُورِينَ) خبر کان می‌باشد، نه (حال) اما در بقیهٔ گزینه‌ها، کلمات (مُتَّظِرِينَ، سَاعِيَات و مُجْتَهِدِينَ) حال هستند.

۱۷- در گزینه (۲)، کلمهٔ (ثَقِيلَةً) نمی‌تواند صفت باشد، زیرا نکره است در حالی که کلمهٔ قبل از آن معرفه است. در بقیهٔ گزینه‌ها کلمات (عَظِيمَةً، الصَّغِير و المحترم) صفت هستند.

۱۸- (واوی) که وسط جمله آمده باشد و بعد از آن مستقیماً ضمیر منفصل ذکر شده باشد، واو حالیه است.

۱۹- در گزینه (۲)، کلمهٔ (حَيَّةً)، حال جمله است و به (فَرِسَةً) که مفعول به جمله است، برمی‌گردد. اما در بقیهٔ گزینه‌ها حال به کلمات (منصوَرٌ، التلميذان، الطالِبَةُ) که فاعل جملات هستند، برمی‌گردد.

۲۰- (واوی) که وسط جمله و بعد از آن مستقیماً ضمیر منفصل آمده باشد، (واو) حالیه است و اولین جملهٔ بعد از (واو) حالیه، جملهٔ حالیه می‌باشد. دقت کنید که در گزینه (۱)، کلمهٔ (فَرَحِينَ) حال مفرد است نه (جملهٔ حالیه).

۲۱- در گزینه (۳)، کلمهٔ (فَرَحِينَ) حال است، اما در بقیهٔ گزینه‌ها: گزینه (۱): (زوجین) مفعول به است برای فعل (جَعَلَ). / گزینه (۲): (الخائفين) مضاف‌الیه است. / گزینه (۴): (مُجْتَهِدِينَ) خبر کان است. [سراسری تجربی - ۹۷](#)

۲۲- در گزینه (۲)، کلمهٔ (راکِبِينَ) حال است، اما در بقیهٔ گزینه‌ها: گزینه (۱): مثلاً (خبر کان) - صالحاً صفت برای (مثلاً) / گزینه (۳): باکیا (خبر کان) / گزینه (۴): کلمهٔ منصوب نکره نداریم.

۲۳- در گزینه (۳)، هم (اسم فاعل) داریم و هم (اسم مفعول): المُحْتَرَم: اسم مفعول / صَادِق: اسم فاعل

در صورتی که در گزینه‌های دیگر چنین نیست و اسم فاعل و اسم مفعول با هم نیامده‌اند.

۲۴- در گزینه (۱)، کلمه (خاشعین) حال از نوع مفرد است، اما (حال) به کار رفته در بقیهٔ گزینه‌ها از نوع (جمله) می‌باشد نه مفرد.

۲۵- (واوی) که در گزینه (۳) آمده است چون اول عبارت قرار دارد، به هیچ وجه نمی‌تواند واو حالیه باشد در نتیجه این گزینه، جملهٔ حالیه ندارد.

پاسخ تشریحی آزمون ۳۱

۱- با توجه به کلمهٔ (القارئ) که به معنی «خواننده» است و (فائِدَةٌ) که مفرد و نکره است، گزینه (۲) را انتخاب می‌کنیم.

۲- شکل درست بقیهٔ گزینه‌ها: گزینه (۱): لم يُواصل: ادامه نداد - دراسته: تحصیلش / گزینه (۳): مَدْرَسَةٌ ثانویة: دبیرستان / گزینه (۴): عِدَّةٌ كُتَّاب: چندین نویسنده

۳- شکل درست بقیهٔ گزینه‌ها: گزینه (۱): زبان انگلیسی را فقط از جهانگردان یاد گرفت. / گزینه (۲): (محدودیت سودمند نیست مگر برای کودکی یا شخص مریضی) = محدودیت فقط برای بچه یا مریضی سودمند است. / گزینه (۳): عقاد فقط بر خود اعتماد کرد.

۴- (في العالم: در عالم) و این حالت فقط در گزینه (۲) دیده می‌شود. [سراسری ریاضی - ۹۷](#)

۵- با توجه به فعل‌های (يَتَكَاسَلُونَ، لَا يُحِبُّونَ وَ يَتَأَخَّرُونَ) که مضارع هستند، فقط گزینه (۲) می‌تواند جواب مورد نظر باشد. [سراسری هنر - ۹۷](#)

۶- در گزینه (۴) ترجمهٔ فعل درست نمی‌باشد، زیرا در اسلوب حصر، هنگامی که «إِلَّا» به شکل «فقط / تنها» ترجمه می‌شود، فعل جمله به صورت مثبت ترجمه می‌شود، در حالی که در این گزینه به اشتباه به صورت «منفی» ترجمه شده است. ضمناً در گزینه (۳) بخش اول عبارت به صورت مفهومی ترجمه شده است! [سراسری تجربی - ۹۶](#)

۷- با توجه به (هر موضوع: کل موضوع) و (غذایی فکری: غذاء فکریاً)، فقط گزینه (۲) صحیح است. دقت کنید که در گزینه (۳)، کل + الموضوع (= کل + اسم ال) به صورت همهٔ موضوع ترجمه می‌شود نه هر موضوع.

۸- مفهوم عبارت، به‌جز علم هر چیزی ظرفیت و اندازهٔ معینی دارد و گنجایش آن ثابت است و تغییر نمی‌کند و این مفهوم در گزینه (۳) آمده است.

۹- (سَاعِدْنَا) برای جای‌خالی گزینه (۲) نامناسب است و باید به جای آن از فعل‌هایی مثل (جَمَعْنَا، جَمِينًا و ...) که به معنی «جمع کردن، برداشتن محصول و ...» می‌باشند، استفاده شود.

۱۰- با توجه به (ادامه داد) و (دبیرستان)، گزینه (۱) را انتخاب می‌کنیم.

۱۱- ۱) درستی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۲): ضاقٌ ≠ اتسع (گسترش یافت) / گزینه (۳): يُخَفِّضُ = يُقَلِّلُ / گزینه (۴): أسلوب به معنی «روش» می‌باشد و با کلمه (اختیار) که به معنی «امتحان است» مترادف نمی‌باشد.

درک مطلب

هیچ کدام از ما نیکی و احسان پدر و مادر را فراموش نمی‌کند. آموزش، آسایش و مواظبت از ما، خدمات و فداکاری‌هایی است که پدر و مادر برای خوشبختی ما در اختیارمان قرار می‌دهند و به همین علت، قرآن کریم ما را به نیکی کردن و اطاعت از پدر و مادر سفارش کرده است. صدای خود را بالا نبریم و کلامی حاکی از بی ادبی بر زبان جاری نسازیم. بلکه مطیع آنان باشیم و در کسب رضایت آنان بکوشیم و فرزندان محبوب کسانی هستند که نصیحت‌های پدر و مادر را گوش می‌دهند و اوامر آنان را اطاعت می‌کنند تا به موفقیت و دوستی مردم دست یابند.

۱۲- ۱) معنی صورت سؤال: «فرزند محبوب کسی است که؟»

پاسخ نادرست: در پیشگاه پدر و مادر سخن نگوید و حرفی به زبان نیاورد.

۱۳- ۳) معنی صورت سؤال: «قرآن کریم نسبت به پدر و مادر چه

سفارشی کرده است؟»

پاسخ: نیکی کردن و اطاعت.

۱۴- ۱) پدر و مادر، خدمات و فداکاری‌های خود را برای راحتی و

خوشبختی فرزندان ارائه و تقدیم می‌کنند.

۱۵- ۳) گزینه (۳) نادرست و نامناسب است زیرا طبق متن، فرزندان

محبوب کسانی هستند که «از پدر و مادر خویش اطاعت می‌کنند و احترام آن‌ها را به جای می‌آورند و نصیحت آن‌ها را گوش می‌دهند.» نه آن‌ها که پیروز و موفق می‌شوند. (موفقیت) در سطر آخر آمده است، اما می‌خواهد بگوید که کسی که از پدر و مادر خود اطاعت می‌کند، موفق می‌شود، نه اینکه شخص موفق محبوب است!

۱۶- ۱) (تفهیم) در عبارت مورد نظر بر غائب مؤنث (= للغائبه) دلالت

دارد نه مخاطب و به باب نرفته است یعنی مجرد ثلاثی است و فاعل ضمیر مستتر (هی) است و کل جمله فعلیه (تفهیم) خبر است برای کلمه (زمیله).

۱۷- ۲) (المُجتهدون) اسم فاعل است نه اسم مفعول.

۱۸- ۴) هذا العالم ← هذا العالم ...

۱۹- ۲) در گزینه (۲)، مستثنی‌منه محذوف است، اما در بقیه گزینه‌ها،

کلمات (جميع الموظفين، الناس، أعمال) مستثنی‌منه می‌باشند.

توجه: مانند گزینه‌های (۱) و (۲)، اگر بعد از (إلا)، حرف جر (من) همراه با ضمیر متصل بیاید مانند (منه، منهم و...)، نتیجه می‌گیریم که در آن عبارت حتماً قبل از (إلا) مستثنی‌منه وجود دارد.

سراسری ریاضی - ۹۳

۲۰- ۳) اگر جمله قبل از (إلا) منفی باشد و مستثنی‌منه نداشته باشد،

حصر و اختصاص خواهیم داشت. دقت کنید که منفی بودن جمله قبل از (إلا) به تنهایی کافی نیست و باید مستثنی‌منه آن نیز محذوف باشد تا اسلوب^۱ حصر و اختصاص به وجود بیاید.

۲۱- ۲) در گزینه (۲)، مستثنی‌منه، محذوف است، اما در بقیه گزینه‌ها،

کلمات (أحد، أحد، الطلاب) مستثنی‌منه می‌باشند.

توجه: کلمات مفرد نکره مانند (أحد، شيء، کلاماً و...) اگر در جمله منفی واقع شوند، معنی و مفهوم (جمع) می‌دهند بنابراین می‌توانند مستثنی‌منه باشند. یک‌بار دیگر به گزینه‌های (۱) و (۳) دقت کنید تا منظور من را بهتر بفهمید.

۱- یادآوری: (أسلوب) یعنی روش و شیوه

۲۲- ۳) به توجه) ذکر شده در پاسخ سؤال قبل دقت کنید. سراسری انسانی - ۹۷

۲۳- ۴) در گزینه (۴)، کلمه «الشَّركُ از ذُّوب: گناهان» استثنا شده

است اما درستی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): الكتاب كله / گزینه (۲): (مستثنی‌منه) این عبارت محذوف است.

گزینه (۳): كل يوم

۲۴- ۲) در گزینه (۲) با اینکه جمله قبل از (إلا) منفی است، اما اسلوب حصر

و اختصاص نداریم، زیرا در آن عبارت مستثنی‌منه داریم (أصدقَاء: مستثنی‌منه).

۲۵- ۴) مفهوم سؤال: «کدام (إلا) فقط برای استثناء آمده است؟»

(إلا) در گزینه‌های (۱) و (۳) که جمله قبل از (إلا) منفی است و مستثنی‌منه عبارت محذوف است، برای حصر و اختصاص آمده است. در گزینه (۲) چون مستقیماً بعد از (إلا) فعل آمده است نه اسم، آن (إلا) برای استثناء نیامده است.

پاسخ تشریحی آزمون ۳۲

۱- ۲) با توجه به ضمیر متصل به (عُشَّة) باید این کلمه را به صورت

«لانه‌اش» ترجمه کرد یعنی حتماً باید ضمیر موجود در کلمه در ترجمه بیاید. با توجه به این نکته گزینه‌های (۱) و (۳) حذف می‌شوند و گزینه (۴) به خاطر (بزرگ شدن) که باید به صورت فعل می‌آید و (به پرواز در بیاید) که باید به صورت (پیرند) می‌آید، نمی‌تواند درست باشد.

۲- ۱) (بیش از ۴۰ درجه) ذکر شده در گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست

است زیرا در عبارت داده شده، کلمه (بیش از) وجود ندارد. در گزینه (۳) هم فعل (لا يستطيع) معنی نشده است هم (آنجا موجود است) نادرست است.

سراسری هنر - ۹۶

۳- ۲) با توجه به فِي القرآن (در قرآن) و حذف (فِي) در ترجمه،

گزینه‌های (۱) و (۳) حذف می‌شوند و گزینه (۴) به خاطر (همیشه) و (آزمایش در علوم) نمی‌تواند درست باشد.

۴- ۲) درستی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): فقط حق را بگو. / گزینه (۳): فقط راستگو رستگار است.

گزینه (۴): فقط یک کشاورز در مزرعه بود.

روش ساده و مطمئن ترجمه این قبیل جملات: کلمه (فقط) متعلق به اولین کلمه بعد از (إلا) است، یعنی هنگام ترجمه حتماً باید اولین کلمه بعد از (إلا) را بیاوریم. مثلاً علت نادرست بودن گزینه (۱) این است که مستقیماً بعد از (فقط) فعل آمده است در حالی که باید کلمه (حق) می‌آید.

۵- ۱) موارد نادرست در بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۲): ... مَنْ يَسْمَعُنِي: گوش بدهد به من ... / گزینه (۳): أَعْرَفُهُ ...:

می‌شناسم او را / گزینه (۴): ... يُوصِلُنِي ...: می‌رساند مرا سراسری تجربی - ۹۲

۶- ۱) هیچ ... اشکالی ندارد ← باید از (لا) ی نفی جنس استفاده کنیم

یعنی بعد از (لا) اسم یا مصدر بیاوریم. در گزینه (۲)، (لهذه الكُتُب) نادرست است.

۷- ۴) مفهوم عبارت (خواندم کتاب را به‌جز منابع آن) می‌باشد یعنی

منابع کتاب را نخواندم و به زبان ساده‌تر، کلمه (مصادر) از کتاب استثنا شده و مورد مطالعه قرار نگرفته است.